**فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام**
**شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره دهم (بهار ۱۴۰۱)**

# بررسی و شناخت اصول و راهکارهای پیشگیری از رفتارهای نابهنجار دانش آموزان

(تاریخ ارسال ۱۴۰۰/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۰۳/۲۰)

**زهرا علی ویسی** [۱]
کارشناس آموزش کودکان استثنایی
کارشناس ارشد مشاوره مدرسه

## چکیده

بروز رفتارهای نابهنجار و بزهکاری دانش آموزان یکی از مسائلی است که معمولاً خانواده‌ها و معلمان با آن مواجه هستند. بروز رفتارهای نابهنجار در میان دانش آموزان به عنوان یکی از معضلات اساسی جامعه به ویژه نهاد آموزش و پرورش می‌باشد، زیرا ناهنجاری‌ها به تدریج نظم اجتماعی را مختل می‌نماید و زمینه بروز جرایم را فراهم می‌سازد. بنابراین شناخت علل ناهنجاری‌ها در هر جامعه‌ای در تصحیح روند جامعه پذیری و نظم اجتماعی می‌تواند موثر باشد. بروز رفتارهای نابهنجار در میان دانش آموزان یکی از مشکلات اجتماعی است که به‌نوبه خود منجر به بی‌نظمی در جامعه می‌گردد و موجب نگرانی اولیای مدارس و خانواده‌ها شده است زیرا بر فرآیند تعلیم و تربیت در مدارس تأثیر نامطلوبی گذاشته و در صورت تداوم زمینه بزهکاری دانش آموزان را فراهم می‌نماید. بنابراین ضرورت اقتضا می‌نماید عوامل مؤثر بر بروز رفتارهای نابهنجار دانش آموزان شناسایی گردد و راهکارهایی جهت پیشگیری از رفتارهای نابهنجار ارائه شود. به همین جهت در این مقاله قصد داریم به بررسی و شناخت اصول و راهکارهای پیشگیری از رفتارهای نابهنجار دانش آموزان بپرداریم.

**واژگان کلیدی:** بزهکاری، رفتارهای نابهنجار، پیشگیری از بزه، دانش آموز، اختلال شخصیت

---

۱ . نویسنده مسئول

**مقدمه**

واژه نابهنجار نخستین بار توسط امیل دورکیم جهت تشریح علل برخی از رفتارهای مجرمان به‌کاربرده شد. مرتون و جامعه شناسان دیگر این واژه را در معنای رفتاری به کار می‌برند که با قواعد و هنجارهای موردقبول جامعه تباین داشته باشد.[۱] «بنا بر تعریفی از سوی جامعه شناسان رفتار نابهنجار به وقوع تعداد زیادی از مشاهدات در جامعه اطلاق می‌شود که آن‌ها نامناسب و ناشایست بوده و نیازمند درمان هستند و فرد نابهنجار کسی است که هنجارها و ارزش‌های جامعه را نقض می‌کند.»[۲] در جامعه‌شناسی کلاسیک رفتار نابهنجار را به عدم همنوایی با یک هنجار یا مجموعه‌ای از هنجارهایی که مورد قبول اکثریت اعضای یک جامعه (منظور هنجارهای مفید جامعه است) واقع‌شده است تعریف نموده‌اند.[۳] مفید یا مضر بودن هنجارها بستگی به این دارد که روابط اجتماعی را در مسیر تأمین نیازهای فطری به‌طور صحیح تنظیم نماید به‌طور مثال رعایت قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی یک هنجار مفید است حال اگر سرپیچی از این مقررات همگانی شود یک هنجار مضر است و منجر به اختلال و بی‌نظمی می‌گردد.[۴] مدرسه به‌عنوان یک‌نهاد اجتماعی دارای هنجارهایی است که نقض آن‌ها می‌تواند زمینه اختلال درروند تعلیم و تربیت را فراهم نماید. بسیاری از این هنجارها بر پایهٔ ارزش‌ها بنیان نهاده شده است به‌طور مثال در جامعه ما حیا و عفت یک ارزش محسوب می‌شود که بر اساس آن هنجار رعایت حجاب و پوشش مناسب شکل می‌گیرد و یا اینکه علم و علم دوستی یک ارزش است و بر اساس آن هنجار درس خواندن و سوادآموزی شکل می‌گیرد.[۵] مطابق با آیین‌نامه انضباطی مدارس، دانش آموزان دختر موظف به رعایت حجاب و پوشش مناسب می‌باشند، حال نقض این هنجار به نحوی نقص ارزش حجاب و عفت است. احترام نیز در جامعه ما یک ارزش است و هنجار رعایت احترام و ادب

---

۱- احمد بخارایی، جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، چاپ اول، (تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، خـرداد ۱۳۹۰)، ص ۲۵.

۲- همان، ص ۱۵.

۳- حبیب احمدی، جامعه شناسی انحرافات، چاپ اول، (تهران: انتشارات سمت، بهار ۱۳۸۴)، ص ۴.

۴- محسن صمدیان و دیگران، ص ۱۰۴.

۵- رسول ربانی و دیگران، مبانی جامعه شناسی، چاپ دوم، (تهران: آوای نور، ۱۳۸۵)، ص ۸۳.

در مقابل اولیای مدرسه بر اساس آن شکل گرفته است. همچنین صداقت یک ارزش است و این قاعده که محصل نباید تکالیف درسی خود را ا ز روی دست دوستش کپی کند یک هنجار است که بر اساس آن شکل‌گرفته است. برخی از رفتارهای نابهنجار دانش آموزان همچون خسارت به اموال مدرسه، سرقت، تقلب و توهین مطابق مواد آیین‌نامه انضباطی مدارس نیز نقص هنجارهای رسمی جامعه است. در نتیجه رفتارهای نابهنجار دانش آموزان از منظر جامعه‌شناسی تمام رفتارهایی است که نقض هنجارهای مدرسه و جامعه باشد خواه آن رفتارها مطابق با قوانین جزایی جرم باشد یا نباشد مانند فرار از مدرسه، تأخیر در ورود به مدرسه و کلاس.....

اصطلاح دیگری که در حقوق جزا با آن روبرو هستیم بزهکاری است؛ «بزهکاری عبارت است از ترک انجام‌وظیفه قانونی و یا ارتکاب عمل خطایی که الزاماً عنوان جرم ندارد این اصطلاح غالباً معادل جرم به‌ویژه در ارتباط با بزهکاری اطفال و نوجوانان به کار می‌رود. بزهکاری کودکان و نوجوانان در معنای غیرحقوقی آن شامل رفتارهایی چون فرار از مدرسه و کنترل والدین می‌شود بنابراین تعبیر بزهکاری گاهی به شخصی نسبت داده می‌شود که صرفاً مرتکب جرم نشده بلکه به‌طورکلی فردی سرکش و ضداجتماعی است.»[1] جرم‌شناسان و به‌طورکلی علم جرم‌شناسی رسالت خود را در شناسایی علل و عوامل بروز رفتار نابهنجار و جرم در میان آحاد مردم دانسته تا با به‌کارگیری نظریات و دستاوردهای علوم مختلف راهکارهای مناسب برای پیشگیری از انواع نابهنجاری و جرم را در جامعه پیدا نماید؛ بنابراین جرم‌شناسان در راستای رسالت خود صرفاً به مطالعه جرم نمی‌پردازند بلکه تمامی رفتارهای نابهنجار را که زمینه بروز جرم می‌شود مطالعه می‌کنند. می‌توان نتیجه گرفت که رفتار نابهنجار گستره‌ی وسیع‌تری از جرم دارد، بدین معنا که تمام رفتارهای نابهنجار جرم نیست ولی هرجرمی نوعی نقض هنجارهای جامعه و بیانگر نوعی ناهنجاری رفتار است. بنابراین از منظر حقوقدانان جزا رفتار نابهنجار دانش آموزان به رفتارهایی اطلاق می‌گردد که نقض هنجارهای رسمی جامعه (قوانین و مقررات جزایی) باشد مانند سرقت، توهین،

---

۱- شهلا معظمی، بزهکاری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، (تهران: انتشارات دادگستر، پاییز ۱۳۸۸)، ص ۶۸.

برقراری روابط نامشروع؛ و سایر رفتارهای نابهنجار که در این چارچوب؛ یعنی نقض قوانین جزایی نباشد مانند فرار از مدرسه، عدم انجام تکالیف، آرایش‌های خلاف عرف هرچند نابهنجار است اماجرم نیست.

## بخش اول: بررسی و مطالعه علل فردی– روانی جنایی رفتارهای نابهنجار دانش آموزان

### بند اول: اختلالات روانی

اختلال شخصیت ضداجتماعی[۱] روان‌پزشکان فرانسوی در ابتدا این انحراف را «دیوانگی اخلاقی» یا کج‌روی رفتاری بدون هیچ گونه نقص هوشی گذاشتند که در دوران کودکی یا نوجوانی آغاز می‌شود[۲]. برخی ضوابط تشخیص این اختلال بر اساس انجمن روان‌پزشکی آمریکا[۳] بدین شرح است: «۱- بی‌توجهی نسبت به دیگران و پایمال کردن حقوق آنان. ۲- تحریک‌پذیری یا پرخاشگری که با تکرار نزاع‌های جسمانی یا تهاجم‌ها آشکار می‌شود.۳- ناتوانی در تطبیق با هنجاری اجتماعی مرتبط با رفتارهای قانونی.»[۴] برخی روانشناسان خصیصه‌های اصلی این اختلال را بدین‌صورت بیان می‌کنند: بی‌تفاوتی نسبت به توجه، مهربانی یا اعتماد دیگران، فقدان ندامت و پشیمانی در قبال اشتباهات، فعالیت‌های جنسی بی‌بندوبار، مبتذل و غیر منسجم.[۵] درواقع این اختلال بیانگر شخصیتی است که قادر به انطباق با قوانین و مقررات جامعه نبوده و آن‌ها را نقض می‌نماید. اختلال شخصیت نمایشی یا هیستریانیک[۶] این اختلال در زنان و دختران نسبت به مردان بیشتر شایع بوده است و رفتار مبتلایان توأم با تظاهر، اغراق‌آمیز همراه با خودپسندی، خودبینی و عواطف سطحی و

---

۱ -dissocial personality disorder.

۲-هارولدای کاپلان، اختلالات روانی و رفتاری دوران کودکی و نوجوانی، (مهدی صابری)، چاپ اول، (تهران: قلمستان هنر، بهار ۱۳۷۷،) ص ۷۷

۳ -dsm iv-ir.

۴- پریرخ دادستان، روانشناسی جنایی، چاپ اول، (تهران: سمت، بهار ۱۳۸۲)، ص ۱۵۰.

۵- تامس اولتمز و دیگران، مطالعات موردی در روانشناسی نابهنجاری، (جواد صالحی)، چاپ اول، (مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲)، ص ۲۳۸.

۶ - Hesterical personality disorder.

کم‌عمق است.[۱] توجه دیگران چیزی است که آن‌ها نمی‌توانند بدون آن زندگی کنند و مانند دارو به آن نیاز دارند.[۲] افراد مبتلابه این اختلال بیش‌ازحد به‌ظاهر و تیپ خود اهمیت می‌دهند و همواره تلاش زیادی در جلب‌توجه دیگران به‌خصوص جنس مخالف دارند و سعی می‌کنند پوششان جذاب باشد. دست به آرایش‌های عجیب‌وغریب می‌زنند، خواهان مدهای جدید و تغییرات پی‌درپی هستند.[۳] در موقعیت‌های که کانون توجه نیستند احساس ناراحتی می‌کنند وتعامل آنان با دیگران همراه با وسوسه‌های جنسی نامناسب یا رفتارهای تحریک‌آمیز است.[۴] اختلال بیش‌فعال یا کمبود توجه[۵] این اختلال در مقوله اختلالات روانی است که برای اولین بار در دوران کودکی و نوجوانی تشخیص داده می‌شود.[۶] مبتلایان به این اختلال اکثرا بداخلاق، ستیزه‌جو، نافرمان، لجوج و بی‌انضباط هستند.[۷] این کودکان و نوجوانان در مدرسه از دستورات اطاعت نمی‌کنند و بیشتر وقت معلمان را متوجه خود می‌نمایند؛ به‌گونه‌ای که مدام در حال جنب‌وجوش بوده و نظم کلاس را بر هم می‌زنند، حواس‌پرت بوده و توجهی به درس نمی‌کنند. از تکالیفی که نیازمند فعالیت ذهنی مستمر است اجتناب کرده و اغلب در انجام تکالیف و فعالیت‌ها ناتوان می‌باشند.[۸] در خانه نیز از خواسته‌های والدین اطاعت نمی نمایند و عملکرد تکانشی دارند، ازنظر هیجانی نااستوار، تحریک‌پذیر و خشن هستند و این حالت تکانشی تا بزرگسالی باقی‌مانده و آنان را ناتوان

---

۱- سعید حکمت، روان شناسی کیفری، چاپ اول، (تهران: گوتنبرگ، ۱۳۷۴)، ص ۷۲.

۲- فاطمه گلشنی، اختلال شخصیت، (تهران: نشر قطره، ۱۳۸۸)، ص ۴۰.

۳- هدایت الله ستوده، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)، چاپ یازدهم، (تهران: انتشارات آوای نور، ۱۳۸۳)، ص ۱۲۱.

۴- فاطمه گلشنی، ص ۴۷.

۵ - attention deficithy peractivity disorder.

۶- رنالد جی فریدمن و دیگران، رفتار با کودکان و نوجوانان دچار اختلال (نقص توجه – بیش فعال)، (جلال صدر السادات و محمد رضا محمدی)، چاپ اول، (تهران: اسپند هنر، بهار ۱۳۸۱)، ص ۱۲.

۷- فرح لطفی کاشانی و دیگران، روان شناسی مرضی، چاپ دوم، (تهران: انتشارات ارسباران، پاییز ۱۳۷۸)، ص ۱۳۶.

۸- شهلا فرقانی رئیسی، مشکلات رفتاری در کودکان و نوجوانان، چاپ اول، (تهران: موسسه فرهنگی منادی، تابستان ۱۳۸۰)، ص ۹۵.

می‌سازد.[۱]

**بند دوم: عدم تأمین نیازهای روانی**

همه افراد دارای نیازهای هستند که تأمین آن‌ها به‌عنوان محرک اصلی آنان برای زندگی است. شناخت و برآوردن این نیازها نقش مؤثری در پیشگیری از رفتارهای نابهنجار و نابسامانی‌های روانی دارد. در این میان تأمین نیازهای روانی ازآن‌جهت که بر سلامت رفتار و روان فرد تأثیر می‌گذارد دارای اهمیت بسزایی است. در تحلیل عوامل رفتار نابهنجار دانش آموزان، عدم تأمین نیازهای روانی را می‌توان به‌عنوان عامل مؤثر به‌حساب آورد.برخی از این نیازهای روانی که عدم تأمین آن‌ها زمینه بروز رفتار نابهنجار دانش آموزان را ایجاد می‌کند به شرح زیر است.

**الف: کمبود محبت**

ازجمله عوامل تأثیرگذار بر تربیت روحی و روانی که در زمره مهم‌ترین نیازهای روانی فرد قرار دارد، نیاز به محبت است. این نیاز از آغاز زندگی انسان تا پایان حیات همواره وجود دارد؛ اما اهمیت آن در برخی از دوره‌های زندگی فرد بیشتر است.[۲] نیاز به محبت در سالهای اولیه حیات و همچنین در سنین نوجوانی و دوران پس از بلوغ که میل به استقلال‌طلبی و خودنمایی در نوجوان ظهور می‌کند بیشتر موردتوجه است.[۳] دین مقدس اسلام همواره توجه ویژه به تأمین این نیاز روانی داشته و آن را لازمه تربیت دینی دانسته است؛ زیرا در تربیت، توجه به نیازهای روانی و رشد دادن ابعاد روحی و فکری از اهمیت خاصی برخوردار است.[۴] سیره تربیتی ائمه معصومین نیز در تأکید بر تأمین این نیاز است؛ چنانچه پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرمایند: کودکان را دوست بدارید و به ایشان ترحم کنید.[۵] همچنین

---

۱- فرح لطفی و دیگران، ص ۱۳۴.

۲- فرحناز شهروزی، " آموزه های تربیتی اسلام"، کیهان فرهنگی، ۲۴۵ (اسفند ۱۳۸۵): ص ۶۲.

۳- همان، ص ۶۳.

۴- جواد محدثی، آشنایی با اصول و عوامل تحکیم خانواده، چاپ هفتم، (قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۷)، ص ۷۷.

۵- حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، (ابراهیم میر باقری)، چاپ دوم، (تهران: انتشارات فراهانی، بهار ۱۳۶۵)، ص ۴۲۰. «احبوالصّبیان وارحَمُوهم».

می‌فرمایند: کودکان خود را ببوسید که بهر بوسه‌ای درجه در بهشت برای شما خواهد بود.[۱] و درجایی دیگر بیان می‌دارند: نگاه کردن پدر و مادر به فرزند از روی محبت عبادت است.[۲] امام علی(ع) می‌فرمایند: بوسیدن فرزند رحمت است.[۳]

ازجمله نظریاتی که در جرم‌شناسی در تحلیل علل بروز رفتار نابهنجار و جرم مطرح است؛ نظریه نیازهای اساسی آبراهام مازلو می‌باشد که این نظریه هرمی از این نیازها را به ترتیب اهمیت و اولویت ارائه می‌دهد که عبارت‌اند از: ۱- نیازهای جسمی و فیزیولوژیک (مانند نیاز به غذا و آب و غیره) ۲- نیاز به امنیت، حمایت و ثبات خانوادگی ۳- نیاز به محبت ۴- احساس ارزش و اعتبار و موقعیت اجتماعی ۵- خود شکوفایی.[۴] وی معتقد است چنانچه نیاز به محبت تأمین نشود خود شکوفایی و اظهار وجود مطرح نمی‌گردد و کسانی که از این لحاظ با کمبود مواجه هستند دچار مشکلات و عقده‌هایی می‌شوند که به تعبیر فروید هنگامی‌که موقعیت بروز آن فراهم شود به اشکال مختلف که خیلی از آن‌ها ویران‌کننده است بروز می‌کند.[۵] به لحاظ علم روانشناسی دخترانی که با کمبود محبت مواجه هستند، دچار افسردگی می‌شوند و افراد بی‌حرکت بوده که فعالیتشان در حال رکود است، همچنین گرایش به تخریب و آسیب رساندن به دیگران دارند.[۶] تحقیقات روانشناسی به نام «مان» به لحاظ علمی ثابت نموده که دخترانی که با کمبود محبت روبه‌رو هستند اغلب درون‌گرا بوده و در عالم تخیل سیر نموده و از جهان واقعی به دور می‌باشند.[۷] جان بالبی در مورد محرومیت از محبت مادری تحقیقاتی انجام داده که حاکی از آن است که این امر زمینه‌ساز

---

۱- همان، ص ۴۲۱. «قَبِّلوا أولادَکم، فَإنّ لکم بکل قبلةٍ دَرجةً فی الجنةِ...»

۲- حسین نوری، مستدرک الوسایل، (بیروت: موسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق)، جلد ۱۵، ص ۱۷۰. «نَظَرُ الوالِدِ إلی وَلَدِهِ حُبّاً لَه عِبادَةٌ».

۳- حسن بن فضل طبرسی، ص ۴۲۲. قَبلَةُ الوَلَدِ رحمةٌ «

۴- علی میرزا بیگی، نقش نیازهای روانی در بهداشت آموزش و پرورش، چاپ پنجم، (تهران: نشر اطلاعات، ۱۳۷۹)، ص ۱۷.

۵- غلامحسین کرمی، "محبت کلید برقراری روابط اجتماعی با دیگران"، ماهنامه اصلاح و تربیت، ۴۳ (مهر ۱۳۸۴): ص ۱۲.

۶-عافیه موسوی، بزهکاری اطفال و نوجوانان ۱ و ۲، چاپ اول، (تهران: مجد، ۱۳۹۰)، ص ۶۲.

۷- علی قائمی، سازندگی و تربیت دختران، چاپ هفتم، (تهران: اولیا و مربیان، بهار ۱۳۸۴)، ص ۹۸.

بسیاری از اختلالات شخصیتی، خشونت‌ها، دزدی‌های مکرر، عدم توجه در کلاس، رفتارهای غیرمتعارف جنسی و غیره است.[۱] دو نهاد خانواده و مدرسه در تأمین این نیاز دانش آموزان تأثیر بسزایی دارند؛ بنابراین ارضای متعادل نیاز به محبت، رشد عاطفی و شخصیتی فرد را تسهیل می‌نماید و این امر منجر به رشد اجتماعی مطلوب فرد می‌گردد. دانش‌آموزانی که از آغاز حیات (دوران کودکی) این نیازشان در خانواده توسط والدین و در مدرسه توسط مربیان ارضا شده باشد دیگر در بیرون از محیط خانه به دنبال محبت نمی‌باشند؛ زیرا خانه و مدرسه را کانون محبت دانسته و به یک امنیت و آرامش روانی دست‌یافته‌اند.[۲] بنابراین می‌توان گفت بروز رفتار نابهنجار امروز دانش آموزان دختر می‌تواند ریشه درگذشته و عدم تأمین نیاز به محبت در دوران کودکی داشته باشد؛ زیرا کودک نیاز به محبت دارد و درصورتی‌که محبت نبیند در سنین بالاتر محبتی را که در خانه ندیده در کوچه و خیابان جستجو می‌نماید.[۳]

**ب: کمبود امنیت**

از دیگر نیازهای روانی دختران که در رشد و سلامت رفتار آن‌ها تأثیر دارد، نیاز به امنیت است. تأمین این نیاز در دوران کودکی و نوجوانی به سبب ویژگی‌های خاص عاطفی و روانی به‌ویژه از سوی دو نهاد خانواده و مدرسه حائز اهمیت است.[۴] عدم تأمین این نیاز و احساس ناامنی مبتنی بر برداشت حس پراکنده‌ای است و به صور مختلف بروز می‌کند؛ بخشی از آن مربوط به منش افراد و بخشی دیگر زاییده محیط بوده که به‌صورت واکنش‌های تنی و روانی بروز می‌کند.[۵] لوسین بودت بیان می‌دارد: «از هر راهی که بزهکار وارد بزهکاری شود و در همه عواملی که به جرم و بزهکاری می‌انجامد، وجه مشترک آن‌ها عدم امنیت، اضطراب، ستیزه‌جویی و احساس گناه است.»[۶] زیرا عدم امنیت منجر به دلهره و اضطراب شده،

---

۱- جان بالبی، روان شناسی کودک، حسین شقفیان، چاپ اول، (تهران: عارف، ۱۳۵۹)، ص ۳۹.

۲- همان، ص ۲۰ و ۲۵.

۳- رضا پور حسین، " نیاز به محبت"، پیوند، ۱۶۹ (آبان ماه ۱۳۷۲): ص ۶۶.

۴- علی میرزا بیگی، ص ۲۷.

۵- داور شیخاوندی، جامعه شناسی انحرافات و مسائل جامعتی ایران، چاپ، (تهران: نشر قطره، ۱۳۸۴)، ص ۳۲۳.

۶- علی نقی فقیهی، جوان و آرامش روان، چاپ اول، (قم: انتشارات حوزه و دانشگاه، زمستان ۱۳۸۲)، ص ۸۰.

موجبات ستیزه گری را فراهم می‌نماید و رفتارهای را مرتکب می‌شود که غیراخلاقی و غیراجتماعی است همین‌که فرد در چنین شرایطی قرار گرفت احساس گناه می‌کند و این باز منجر به دلهره می‌شود و این حلقه معیوب و دور باطل مرتباً شخص را دربرمی گیرد.[۱] احساس ترس و ناامنی جرئت، جسارت و خلاقیت را از دختران سلب نموده، احساسات وعواطف آنان را سرکوب کرده و منجر به عوارض و نابسامانی روانی و رفتاری می‌گردد.[۲] دانش آموزان باید در محیط خانه احساس امنیت نماید و همواره بداند از حمایت و پشتوانهٔ والدین برخوردار هستند ودر صورتی‌که محیط خانه متشنج باشد نوجوان در خانه احساس امنیت نمی‌کند.[۳] در مدرسه نیز طرز برخورد دبیران و مسئولین مدرسه باید برای دانش‌آموز ایجاد امنیت کند درصورتی‌که دبیران رفتاری نامناسب بادانش آموز داشته باشند آنها دیگر محیط مدرسه را امن نخواهند دانست.[۴] بنابراین از بین رفتن حس امنیت نسبت به محیط خانه یا مدرسه منجر به گسست پیوند و ارتباط دانش آموزان با دو نهاد خانواده و مدرسه شده؛ وآنان درصدد تأمین این نیاز در خارج از این دو محیط برمی‌آیند که خود می‌تواند زمینه انحرافات آنان گردد.

**ج: کمبود عزت‌نفس**

از دیگر نیازهای روانی که در شکل‌گیری شخصیت و رفتارهای نوجوان تأثیر بسزایی دارد تأمین نیاز به احساس عزت‌نفس است. «عزت‌نفس به معنای احترام به خود، احساس ارزشمند بودن است و در اصطلاح عزت‌نفس بیانگر میزان پذیرش و مقبولیتی است که فرد نسبت به خود دارد.»[۵] در ارتباط با تأمین این نیاز و اهمیتی که در شکل‌گیری رفتار دارد در اسلام تأکید فراوان شده است. در آیات قرآنی مشاهده می‌کنیم که انسان به‌عنوان اشرف

---

۱- همان، ص ۸۱.

۲-علی حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، چاپ اول، (قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰)، جلد اول، ص ۹۱.

۳- داود حسینی، روابط سالم در خانواده، چاپ پنجم، (قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۷)، ص ۹۷.

۴- علی میرزا بیگی، ص ۳۰.

۵- اسماعیل بیابانگرد، روشهای افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، چاپ دوم، (تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۲)، ص ۲۵.

مخلوقات شناخته‌شده که دارای ارزش و کرامت است.[۱] و یا آمده است به نام‌ها و القاب زشت یکدیگر را نخوانید[۲] همچنین بیان قرآن مبنی بر پرهیز از تمسخر و تحقیر افراد که بیان می‌دارد هیچ گروهی، گروه دیگر را مسخره نکند.[۳] بیانگر تأکید بر تأمین این نیاز بوده که می‌تواند از بروز انحرافات و ناهنجاری‌ها جلوگیری نماید. همچنین امام علی (ع) می‌فرمایند: حق فرزند بر پدر آن است که نام نیکو بر فرزند نهد.[۴] زیرا ممکن است فرزندان به خاطر نام ناشایست مورد تمسخر و تحقیرواقع‌شوند و عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس خود را از دست بدهند. در برخی روایات از سوی ائمه معصومین آثار کمبود عزت‌نفس این‌گونه بیان‌شده است: امام علی (ع) می‌فرمایند:«آن‌کس که خود را پست بداند به خیر نیکی او امیدوار نباش.»[۵] امام هادی (ع) می‌فرمایند:«کسی که خود را پست بداند از شر او ایمن مباش.»[۶] همچنین امام صادق (ع) می‌فرمایند:« هیچ مردمی نیست که تکبر ورزد یا خود را بزرگ بشمارد مگر به خاطر ذلتی که در نفس خود می‌یابد».[۷] باید دانست که نحوه برخورد اطرافیان به‌ویژه والدین و مربیان نقش قابل‌توجهی در شکل‌گیری و عدم ایجاد این احساس دارد. به‌طور مثال دانش‌آموزی که در مدرسه با رفتار نامناسب مربیان روبرو است و مدام مورد تحقیر و سرزنش قرار می‌گیرد، یا در خانه با بی توجهی و کم مهری والدین روبه‌رو می‌شود یا به دلیل وجود برخی نقایص جسمی نظیر لکنت زبان، کوتاهی یا بلندی بیش‌ازحد قد مورد تمسخر همکلاسی‌ها یا سایر افراد جامعه قرار می‌گیرد عزت‌نفس خود را

---

۱- سور ه اسرا، آیه ۷۰.

۲- سوره حجرات، آیه ۱۱.«ولا تنابزوا بالالقاب»

۳- همان. «لا یسخر قومٌ مِن قوم»

۴- محمد دشتی، نهج البلاغه، چاپ دوم، (قم: موسسه فرهنگی و تحقیقاتی امیرالمومنین، ۱۳۸۴)، ص. «حق الوَلَدِ علی الوالد أن یحسِّن اُسمَهُ...»

۵- عبد الواحد آمدی، غررالحکم و دررالکلم (مجموعه کلمات قصار حضرت علی ع)، (محمد علی انصاری)، (قم: سازمان چاپ و صحافی دارالکتاب)، جلد دوم، ص ۷۱۲، حدیث ۱۴۲۵.« من هانت علیه نفسه فلا ترج خیره»

۶- علی شعبه الحرانی، تحف العقول آل رسول، (علی اکبر غفاری)، الطبعهٔ الثانیهٔ، (تهران: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ ق-۱۳۶۳ ش)، ص ۵۱۲.» من هانت علیه نفسه فلا تامن شره «

۷- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، الثالثه، (بیروت – لبنان: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه)، جلد ۷۰، ص ۲۲۵. » ما من رَجُلٍ تکبر او تَجَّبر الا لذلَّهٔ یَجدُ ها فی نَفسهِ

از دست می‌دهد.[۱] وقتی دانش‌آموز احساس حقارت کرد برای جبران نقایص خود دست به اعمالی می‌زند تا دیگران را تخت تأثیر قرار دهد و از این راه توجه آنان را به قدرت و نیروی خود جلب کند تا بدین‌وسیله حقارت خویش را جبران نماید.[۲] کاپلان در تحقیقات خود به این نتیجه رسید اشخاصی که عزت‌نفس پایینی دارند برای جبران این کمبود و به دست آوردن احترام دست به رفتارهای بزهکارانه می‌زنند. همچنین فیلد و سادنبرگ در پژوهشی در مورد نوجوانان نابهنجار دریافتند که عزت‌نفس این نوجوانان کمتر از نوجوانان عادی است.[۳] در ارتباط بین بروز رفتار نابهنجار دانش آموزان و عزت‌نفس پایین می‌توان چنین گفت که این دانش آموزان احساس بی‌کفایتی نموده، اعتمادبه‌نفس لازم را ندارند و برای خود ارزشی قائل نیستند؛ درنتیجه راحت‌تر دست به اعمال غیراخلاقی می‌زند زیرا ارتکاب چنین رفتارهای بااحساسی که از خویشتن‌دارند سازگارتر است و از انجام عمل غیراخلاقی کمتر احساس پشیمانی می‌کنند. این‌گونه دانش آموزان چون ارزشی برای خود قائل نیستند در راستای تأمین این نیاز بدون سنجش درستی اعمال دیگران خیلی زود تحت تأثیر آن‌ها قرار می‌گیرند و مقاومتشان در مقابل ارتکاب رفتار نابهنجار کمتر است.

**بخش دوم: اقدامات پیشگیرانه در بعد فردی – روانی**

**بند اول: درمان ناهنجاری‌های روانی**

بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری دانش آموزان ریشه در ناهنجاری‌های روانی نظیر اختلالات شخصیت، کمبود عزت نفس و غیره دارد. در واقع بروز رفتارهای بهنجار از سوی دانش آموزان با سلامت روان آنان ملازمه دارد. چنانچه دانش آموزی از سلامت روان برخوردار نباشد نمی تواند رفتارهای درستی را از خود نشان دهد. بنابراین یکی از راههای پیشگیری از ناهنجاریهای رفتاری دانش آموزان شناسایی اختلالات روانی و تلاش در زمینه درمان آنها است.

---

۱- علی میرزا بیگی، پیشین، ص ۳۴.

۲- علی تاج دینی، " احساس حقارت و تضعیف شخصیت "، رشد معلم، ۵۷ (خرداد ۱۳۶۸): ص ۶۷.

۳- لیلا ذبیحی، "رابطه بین عزت نفس و ارتکاب جرم در بین افراد زندانی و غیر زندانی "، اصلاح وتربیت، ۹۵ (فروردین ۱۳۸۹): ص ۴۰.

**الف: روان درمانی و مشاوره**

روان‌درمانی و مشاوره به معنای استفاده آگاهانه از روش‌های مشاوره وبالینی است که مبتنی بر اصول و دیدگهای روان‌شناختی بوده و هدف از آن تغییر رفتارها، شناخت‌ها و هیجان‌های نامطلوب درمان جویان است؛ به‌گونه‌ای که بتوانند بر فشارهای روانی غلبه نموده و تعامل صحیحی با اطرافیان خود داشته باشند.[۱] روان‌درمانی در واژه‌نامه‌ی پزشکی «استید من» بدین‌صورت تعریف‌شده است: «درمان اختلال‌های هیجانی، رفتاری و شخصیتی با استفاده از ارتباط کلامی و غیرکلامی و بدون استفاده از دارو»[۲] درروان درمانی ارتباط میان درمانگر و درمانجو از اهمیت خاصی برخوردار و هدف از این ارتباط «۱ - برطرف کردن، تغییر دادن، یا متوقف کردن علایم؛ ۲- مداخله در الگوهای نابهنجار رفتار؛ ۳ – تقویت رشد و تکامل جنبه‌های سالم و مثبت شخصیت می‌باشد.»[۳] روان‌درمانی به شیوه‌های مهمی اعمال می‌شود که در ذیل به برخی از این شیوه‌های اشاره می‌نماییم. روان تحلیل گری مبتنی بر اندیشه‌های زیگموند فروید است وی معتقد است ریشه بسیاری از ناهنجاری‌های روانی که منجر به بروز رفتار نابهنجار می‌گردد، حوادث و اتفاقات دوران اولیه زندگی است. فروید بیان می‌دارد ذهن انسان دارای دو بخش هشیار و ناهشیار است بسیاری از اتفاقاتی که در دوران کودکی رخ می‌دهد از بین نمی‌رود؛ بلکه در بخش ناهشیار ذهن باقی است و به‌صورت غیرمستقیم در بروز ناهنجاری‌های روانی و به‌تبع آن ناهنجاری‌های رفتاری نقش مؤثری دارد. در این شیوه از درمان روانشناسان می‌کوشند تا از طریق تداعی آزاد، تحلیل رؤیاها و لغزش‌های کلامی بیمار به مسائل بخش ناهشیار ذهن بیمار دست یابند و از این طریق منجر به ایجاد بینش در بیمار شده و به حل تعارض‌های هیجانی وی کمک کنند.[۴] رفتاردرمانی شیوه‌ی دیگر روان‌درمانی است که ریشه ناهنجاری‌های روانی را در یادگیری

---

۱- مرتضی ترخان و دیگران، نظریه های مشاوره و روان درمانی، چاپ دوم، (تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۰)، ص ۶.

۲- ژانت. م. زارب، ارزیابی شناخت و رفتار درمانی نوجوان، (محمد خدایاری فرد)، چاپ اول، (تهران: رشد، ۱۳۸۳)، ص ۱۳.

۳- هدایت الله ستوده، روانشناسی جنایی، پیشین، ص ۲۱۷.

۴- ژانت. م. زارب، ص ۱۴.

سازش نایافته می‌داند. این روش درصدد ایجاد موقعیتی به‌منظور آموزش پاسخ‌های مناسب به‌جای پاسخ‌های نامناسب می‌باشد. درواقع آموزش روش‌های صحیح رفتار و برخورد با مشکلات از طریق حساسیت‌زدایی، الگودهی رفتار مناسب همراه با تقویت این رفتارها صورت می‌گیرد.[۱] درمان شناختی- رفتاری مبتنی بر این اندیشه است که علاوه بر رفتار اندیشه‌ها، تصورات و تعبیر و تفسیرهای غلط فرد می‌تواند در بروز ناهنجاری‌های روانی مؤثر باشد. در این روش سعی می‌شود تفکرات اشتباه فرد شناسایی‌شده و افکار و تفکرات سالم جایگزین آن شود (به‌صورت حساسیت‌زدایی تدریجی به همراه آموزش مثبت اندیشی) و از این طریق به درمان پریشانی‌های روانی کمک می‌شود.[۲] به‌طور مثال دانش‌آموزی به هنگام ارائه درس در کلاس علی‌رغم استعدادی که دارد، این تفکر اشتباه را دارد که نمی‌تواند به‌خوبی این کار را انجام دهد و دانش آموزان دیگر از او عیب گرفته و او را مسخره خواهند کرد؛ این تفکر اشتباه منجر به شکست تحصیلی دانش‌آموز می‌گردد؛ بنابراین درمان گران شناختی سعی می‌نمایند از طریق جلسات متعدد با اصلاح رفتار و شیوه‌ی تفکر در درمان این دانش آموزان اقدام نمایند. آلبرت آلیس روانشناس بالینی دانشگاه کلمبیا در درمان اختلالات روانی از تمثیل چمدان استفاده می‌نماید. وی معتقد است ذهن انسان مانند چمدانی است که در طول سفر زندگی، انسان آن را حمل می‌کند. در این سفر چیزهای زیادی (باورها، افکار و تصورات و غیره) اعم از مفید و غیرمفید، ارزان و گران را در آن انباشته می‌نماید به‌گونه‌ای که این چمدان سنگین شده و دیگر فرد توانایی حمل آن را نداشته و این عدم توانایی به شکل ناهنجاری‌های روانی و رفتاری نمود می‌یابد؛ بنابراین نخستین راه دردرمان، گشودن این چمدان (شناخت باورهای غیرمنطقی که علت پریشانی روانی نظیر: عصبانیت، ناامیدی و احساس بی‌ارزشی است) می‌باشد. دومین گام حذف نمودن چیزهایی که ارزش حفظ کردن ندارد، در این زمینه از روش‌هایی چون به چالش کشیدن باورهای غیرمنطقی، تحلیل منطقی و عینی استفاده می‌شود و سعی می‌گردد با

---

۱- همان، ص ۱۵ و ۱۶.

۲- مرتضی ترخان، ص ۱۶۰.

ترغیب و استدلال منطقی، درمانجو باورهای غلط خود را شناخته و بر آن غلبه کند.[۱] بنابراین یکی از شیوه‌های پیشگیری و کاهش رفتارهای نابهنجار دانش آموزان استفاده از خدمات مشاوره و روان‌درمانی به شیوه‌های مختلف است که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره شد. متأسفانه در بیشتر موارد مشاوران مدارس تخصص خاصی در این زمینه ندارند و در برخی مدارس برخی مشاوران، مربیان دروس مختلف می‌باشند که در زمینه‌ی شناخت اختلالات روانی اطلاعات خاصی ندارند؛ بنابراین باید سعی شود زمینه‌های برخورداری دانش آموزان از مشاوره رایگان از طریق ایجاد کلینیک‌های در مدارس و با استفاده از کارشناسان مجرب در زمینه‌ی علوم تربیتی و روانشناسی، فراهم شود؛ به‌گونه‌ای که مشاوران از میان اولیای مدرسه گزینش نشوند تا دانش آموزان بدون ترس و نگرانی و به‌راحتی بتوانند با آنان ارتباط برقرار نمایند و از راهنمایی‌های آنان بهره‌مند شوند.

**ب: دارو درمانی**

دارودرمانی شیوه‌ای است که روان‌پزشکان با استفاده از داروهای مختلف در کنار روان‌درمانی جهت کاهش اختلالات روانی استفاده می‌نمایند. به‌طور مثال در درمان اختلال روانی بیش فعالی با استفاده از داروهایی نظیر فنیدیت، دکستر و آمفتامین سیستم عصبی مرکزی را تحریک نموده و در کاهش این اختلال اقدام می‌نمایند. تحقیقات نشان داده این داروها منجر به بهبود تمرکز و انجام تکالیف درسی با کاهش رفتارهای تکانشی، ایذایی و پرخاشگرانه است.[۲] در درمان اختلالات خلقی و کنترل پرخاشگری در نوجوانان از داروی لیتیوم استفاده می‌گردد.[۳] در درمان بدبینی بیمارگونه از داروهای ضد روان‌پریشی نظیر هالوپریدون و کلرپرومازین استفاده می‌شود.[۴] و در درمان ناهنجاری‌هایی چون افسردگی، استرس و اضطراب بیش‌ازحد از داروهای ضدافسردگی و آرام‌بخش استفاده می‌گردد. یکی از

---

۱- همان، ص ۱۷۰ و ۱۷۱.

۲- رونالد براون و دیگران، روان شناسی بالینی – اختلالات سلامت روان کودکی، (محمد حاتمی و نیره عسگری رابری)، چاپ اول، (تهران: جهاد دانشگاهی، زمستان ۱۳۹۰)، ص ۲۶.

۳- شهرام محمد خانی و دیگران، مشکلات روانی و رفتاری دانش آموزان شناسایی و مداخله، چاپ سوم، (تهران، انتشارات ورای دانش، ۱۳۹۲)، ص ۴۰.

۴- شهربانو قهاری و دیگران، پیشین، ص ۳۲.

روانشناسان به نام آرتی براون بیان می‌دارد «امید است استفاده از داروی روان‌گردان تنها یک جزء اصلی برنامه‌ی درمان کودک و نوجوان باشد.»[۱] در ارتباط با تأثیر این داروها باید بگوییم روانشناسان تا جایی که می‌توانند باید در درمان ناهنجاری‌های روانی از طریق روان‌درمانی و مشاوره اقدام نمایند؛ زیرا استفاده از هر دارویی در کنار درمان عوارضی هم خواهد داشت؛ اما در موارد حاد می‌توانند در کنار اقدامات روان‌درمانی و مشاوره برای نتیجه‌گیری بهتر از داروها استفاده نمایند. درواقع تأثیر این داروها درزمینه‌ی کاهش ناهنجاری روانی و افزایش عملکرد افراد است که بستر را برای تأثیر سریع‌تر و بهتر سایر اقدامات مشاوره‌ای فراهم می‌نماید.

**بند دوم: تقویت مولفه‌های کنترل درونی**

یکی از شایع‌ترین راههای پیشگیری از انحراف و بزهکاری در جامعه کنترل و نظارت است. کنترل در دو بعد بیرونی و درونی در پیشگیری از رفتارهای نابهنجار و ارتکاب جرم تأثیر دارد. منظور از کنترل بیرونی، نظارتی است که خارج از وجود فرد بر او اعمال می‌شود و کنترل درونی بیانگر، نظارتی است که از درون فرد سرچشمه می‌گیرد و او را به رعایت هنجارهای جامعه فرامی‌خواند.[۲] بنابراین می‌توان با تقویت مؤلفه‌های کنترل درونی زمینه‌های پیشگیری از هنجارشکنی دانش آموزان را فراهم آورد.

**الف: ایمان به خدا**

ایمان، اعتقادی است در قلب و گفتاری است به زبان و عملی است به اعضا.[۳] ایمان بیانگر توکل و اعتماد کامل به خداوند یکتا است که از کمال و معرفت انسانی ناشی می‌گردد. ایمان به خدا و شناخت قدرت، رحمت و حکمت خداوند منجر به ارتباط و وابستگی بیشتر به ذات بی‌همتای او می‌شود. هر چه این ارتباط قوی‌تر شود امکان انجام گناه و رفتارهای

---

۱- رونالد براون، ص ۱۲.

۲- علی نقی فهیمی، " بررسی احادیث در زمینه راهکارهای تربیتی به منظور پیشگیری از رفتارهای نابهنجار جنسی نوجوانان و جوانان"، علوم تربیتی: تربیت اسلامی، ۶ (بهار ۱۳۸۷): ص ۳۰.

۳- ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل رسول، (احمد جنتی)، چاپ دوم، (تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، زمستان ۱۳۸۷)، ص ۱۲۱.

نابهنجار کاهش خواهد یافت. همان‌گونه که می‌دانیم بروز رفتار نابهنجار می‌تواند ریشه در عوامل روانی داشته باشد. باید بدانیم که ایمان به خدا نقش بسزایی در تأمین بهداشت روانی دانش آموزان دارد و منجر به آرامش روانی آنان می‌گردد. آنچه در آرام‌سازی دینی وجود دارد بسیار ژرف‌تر و تأثیرگذارتر از سایر شیوه‌های آرام‌سازی است. «یونگ معتقد است ایمان به خدا به انسان آرامش و به وجودش معنا می‌بخشد و راه‌های تحمل مشکلات را به وی می‌آموزد.»[۱] تقویت ایمان و باورهای دینی دانش آموزان به‌عنوان یک مؤلفه کنترل درونی باعث می‌گردد که آن‌ها حتی در جای که هیچ‌گونه نظارتی از سوی والدین و مربیان وجود ندارد مرتکب رفتارهای نابهنجار نشوند. درواقع توجه به خدا و درک آگاه بودن خداوند از انجام کارهایی که بشر از آن نهی شده است، حیا و ترسی را در انسان ایجاد می‌کند که وی را از انحرافات بازمی‌دارد. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «با استمرار بخشیدن به یاد خدا و توجه بر لزوم پیروی از دستورات او، ریشه‌هایی که سرچشمه امیال شهوانی است برکنید.»[۲] تقویت ایمان در بعد فردی و اجتماعی امکان‌پذیر می‌باشد، در بعد فردی بدین معنی است که هر یک از دانش آموزان از طریق به پا داشتن نماز، تلاوت قرآن و شرکت در مراسم مذهبی و مطالعه درزمینه‌ی آموزه‌های دینی ارتباط و پیوند خود را با خداوند بیشتر نمایند. و در بعد اجتماعی به‌ویژه در نهاد خانواده، والدین می‌توانند در تشویق و ترغیب فرزندان به عبادت که زمینه‌ساز تقویت ایمان است نقش بسزایی ایفا نمایند. آن‌ها باید با سخنان دلگرم‌کننده و پرجاذبه و توصیه‌های خردمندانه فرزندان خود را به اعمال عبادی تشویق نمایند. امام صادق (ع) می‌فرمایند: روایات اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید و در انجام این وظیفه تربیتی تسریع کنید پیش از اینکه دشمنان گمراه بر شما پیشی گیرند و افکار نادرست خویش را در ضمیر پاک آنان جای دهند و گمراهشان کنند.[۳]

---

۱- محمد مهدی صفورایی و دیگران، "سلامت روان در پرتو التزام عملی به آموزه های دینی"، ادیان و عرفان: معرفت، ۹۷ (دی ۱۳۸۴): ص ۱۳.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، (بیروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق)، جلد ۷۳، ص ۳۹۴. «قلع عروق منابت الشهوات بدوام ذکر الله ولزوم الطاعة له»

۳- حر عاملی، پیشین، جلد ۱۲، ص ۲۴۷.

**ب: عزت نفس**

همان‌طور که قبلاً بیان کردیم یکی از نیازهای اساسی نوجوان برخورداری از عزت‌نفس است. عزت‌نفس بیانگر احساس ارزشمند بودن است که از مجموعه‌ای از افکار، احساسات، عواطف و تجربیات در طول زندگی ناشی می‌گردد.[۱] زمانی که دانش‌آموز عزت‌نفس داشته باشد و خود را فردی ارزشمند و قابل‌احترام بداند احتمال گرایش به رفتارهای نابهنجار کاهش می‌یابد. چنین دانش‌آموزی ناکامی را به‌خوبی پشت سر می‌گذارد و هنگام روبه‌رو شدن با ناکامی واکنش‌های منطقی چون صبر و شکیبایی از خود نشان می‌دهد. در قبال کارهای خود مسئولیت‌پذیر است و به نقایص و اشتباهات خود اقرار می‌نماید، بدون آنکه احساس ضعف کند. امام علی (ع) می‌فرمایند: کسی که خودش را باکرامت و شریف بداند، توجه به امیال و شهوات خارج از نیاز طبیعی را پستی و خواری تلقی می‌کند.[۲] درجایی دیگر می‌فرمایند: هنگامی‌که نفس آدمی قوی شود، شهوتش کاهش می‌یابد.[۳] با توجه به این سخنان تقویت عزت‌نفس به‌عنوان مؤلفه‌ی کنترل درونی می‌تواند انسان را از انحرافات جنسی و به‌طورکلی از انحراف بازدارد. «احساس ارزشمند بودن در ارتباط با دیگران معنا پیدا می‌کند؛ و تصور اینکه بتوان در خلأ، فرد را مورداحترام قرارداد و عزت‌نفس وی را تقویت نمود بعید است؛ اما با استفاده از روش‌هایی چون ابراز اراده، آموزش مؤثر بودن، مقابله سازنده با عصبانیت، حل معقول تعارضات و آموزش مهارت‌های زندگی می‌توان عزت‌نفس دانش آموزان را تقویت کرد.»[۴] با توجه به اینکه والدین و مربیان در تقویت این احساس در دانش آموزان نقش اساسی دارند آن‌ها می‌توانند با ابراز محبت، اکرام و احترام به شخصیت دانش آموزان، تصمیم‌گیری با مشورت آنان همراه با اعطای مسئولیت متناسب با سن و شرایط آن‌ها سبب تقویت عزت و اعتمادبه‌نفس دانش آموزان گردند. همچنین والدین

---

۱- ابوالفضل رحمانی بادی و دیگران، راهبردهای ارتقای سلامت روانی – رفتاری دانش آموزان، چاپ دوم، (تهران: ورای دانش، پاییز ۱۳۹۲)، ص ۱۱ و ۱۲.

۲-محمد دشتی، پیشین، ص ۵۲۶.«مَن کَرُمَت علیه نَفسُهُ هانَت عَلَیه شَهَواتهُ«

۳- همان، ص۴۸۵.« اِذا کَثُرَتِ المَقدِرَهٔ قَلَّتِ الشَّهوَهٔ. »

۴- محمود مهدوی، پیشین، ص ۳۷۳.

و مربیان باید از هرگونه تحقیر و توهین به دانش آموزان جلوگیری کنند تا زمینه‌ی از بین رفتن عزت‌نفس آنان ایجاد نشود. چنانکه پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرمایند: «فرزندان خود را گرامی بدارید و خوب تربیت کنید.»[۱]

**ج: خوش بینی**

همان‌گونه که بیان نمودیم، بدبینی می‌تواند به قضاوت‌های عجولانه و برخوردهای نادرست بیانجامد؛ بنابراین از دیگر مؤلفه‌های کنترل درونی که زمینه‌ی تحمل مشکلات و موفقیت را فراهم می‌نماید خوش‌بینی است. این مؤلفه بدین معنا است که فرد از همه ظرفیت‌های ذهنی مثبت و نشاط‌آور و امیدوارکننده بهره بگیرد تا در برابر عوامل منفی که ساخته‌ی ذهن است تسلیم نشود. امام علی (ع) در بیان آثار خوش‌بینی می‌فرمایند: «خوش‌بینی باعث راحتی فکر، روح و سالم ماندن دین می‌شود».[۲]« خوش‌بینی غم آدمی را کاهش می‌دهد و از سنگینی گناه رهایی می‌بخشد.»[۳] همچنین می‌فرمایند: «خوش‌گمانی، پیرو گناه را نجات می‌دهد».[۴] دانش‌آموز خوش‌بین در صورت شکست در درس آن را موقتی و گذار دانسته و درصدد تلاش برای موفقیت است. همچنین دانش‌آموز خوش‌بین در روابط خود با دیگر دانش آموزان موفق بوده و از کوچک‌ترین حرکت و رفتار آنان برداشت سوء نخواهد کرد. برای تقویت خوش‌بینی در دانش آموزان باید به آن‌ها آموزش داد که در صورت بروز وقایع نامطلوب خود را سرزنش نکنند و متوجه باشند که وقایع نامطلوب تأثیر مقطعی و محدود دارند.[۵] همچنین به نقل از معصوم آمده است که به یکدیگر هدیه بدهید تا یکدیگر را دوست بدارید، زیرا هدیه دادن کینه‌ها را از بین می‌برد. مطابق این سخن یکی از راههای تقویت خوش‌بینی، نیکی و هدیه دادن به دوستان است.[۶] بنابراین به‌منظور پیشگیری از رفتارهای

---

۱- حسن بن فضل طبرسی، پیشین، ص ۴۲۶.«اَکرَموا اَولادَکم وأحسِنوا اَدَبَهم...»

۲- جمال خوانساری، شرح فارسی غرر و درر آمدی، (جلالدین محدث)، {بی چا}، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، مهر ۱۳۴۶)، جلد ۷، حدیث ۴۸۱۶، ص ۲۲۶. «حُسنُ الظّنِ راحَةُ القلب وَ سَلامَةُ الدین»

۳- همان جا، حدیث ۴۸۲۳. «حُسنُ الظن یخَفِفُ الهَم و یُنجی مِن ثقلةُ الاثم».

۴- همان جا، حدیث ۴۸۴۳. «حُسنُ الظنِ ینجی من تَقَلّد الاثم»

۵- محمود مهدوی، پیشین، ص ۳۷۵.

۶-محمود اکبری. خوش بینی و بدبینی، چاپ اول، (قم: فقیان، ۱۳۹۰)، ص ۶۸.

نابهنجار دانش آموزان باید خوش‌بینی را به‌مثابه یک عامل کنترل درونی تقویت نمود؛ زیرا خوش‌بینی زمینه‌ساز تعاملی سالم با سایر افراد (دانش آموزان، مربیان و غیره) می‌باشد.

**بخش سوم: اقدامات پیشگیرانه در نهادهای اجتماعی**

**بند اول: نهاد خانواده**

**الف: اعمال الگوهای تربیتی صحیح**

ازآنجاکه تأثیر عمل بیشتر از کلام است و الگودهی صحیح از مهم‌ترین و اثربخش‌ترین روش‌های یادگیری و اجتماعی شدن دختران است، اعمال الگوهای صحیح و مطابق موازین اسلامی از سوی والدین در پیشگیری از رفتارهای نابهنجار دانش دختران تأثیر بسزایی خواهد داشت. امام محمدباقر(ع) فرموده‌اند: «شایستگی پدران کودکان را از زیان‌ها و انحرافات حفظ می‌کند».[1] بنابراین والدین به‌مثابه یک الگو در نحوه برخورد با یکدیگر، همچنین در برخورد با فرزندان باید به‌گونه‌ای عمل نمایند که شیوه‌های صحیح زندگی کردن، ارتباط برقرار کردن، پوشش مناسب و غیره را عملاً به دختران آموزش دهند. زیرا دختران مقطع متوسطه در سنین نوجوانی بسر می‌برند و مدام با الگوهای پیرامون خود در حال همانندسازی می‌باشند که در این میان والدین به‌عنوان الگو، مهم‌ترین تأثیر را خواهند داشت. چنانچه رابطه والدین با دختران یک رابطه سالم، امن و پذیرا باشد بی‌شک تأثیرپذیری آنان از والدین بیشتر خواهد بود؛ بنابراین در گام نخست والدین باید سعی کنند با الهام از آموزه‌های دینی بر اساس روش‌های تربیتی اسلام عمل نموده و عملاً در رفتار و کردار خود الگوهای شایسته‌ای برای فرزندان باشند. همان‌طور که پیش‌تر ذکر نمودیم والدین باید از به کار بردن القاب زشت، توهین و تحقیر فرزندان، تبعیض میان آنان پرهیز نمایند.پدر و مادر باید رفتارهای مطلوب را انجام دهند و از رفتارهای نامطلوب دوری نمایند؛ به‌طور مثال باید علاوه بر عمل نمودن به ادعای خود خوش‌خلق، مؤدب، صادق باشند تا در نزد دختران خود عزیز و محبوب شده و دختران از آنان الگو گیری کنند. همچنین والدین، به‌ویژه مادران (زیرا دختران به سبب ارتباط نزدیک با مادران خود از آن‌ها بیشتر تقلید

---

۱- ابی جعفربن اسحاق کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۱۴۸. «بحفظ الاطفال بصلاح ابائهم»

می‌نمایند) در نحوه پوشش در منزل و خارج از منزل، ارتباط با افراد نامحرم، شئون اسلامی را رعایت نماید؛ تا دختران نیز در این مورد الگوی صحیح پوشش و ارتباط با نامحرم را یاد بگیرد. والدین باید در عمل به مسائل شرعی آن را زیبا و جذاب جلوه دهند. بسیاری از والدین به وظیفه شرعی خود عمل می‌نمایند؛ اما آن‌چنان سرد و بی‌روح که فرزندان از انجام آن لذت نمی‌برند به‌طور مثال نماز را در آخر وقت و بدون رعایت برخی مقدمات انجام می‌دهند درنتیجه وقتی فرزند چنین رفتاری را می‌بینند نسبت به نماز بی‌توجه می‌شود. در گام بعدی والدین باید دختران خود را با سایر الگوهای شایسته همچون امامان و ائمه معصومین آشنا نمایند، تا دختران نیز از این الگوها پیروی کنند. امام علی (ع) می‌فرمایند: «فرزندانتان را بر سه خصلت دوستی پیامبر و اهل‌بیت و قرائت قرآن تربیت کنید».[۱] بنابراین استفاده از روش الگویی که دین مقدس اسلام هم بر آن تأکید می‌نماید در پیشگیری از رفتارهای ناهنجار دانش آموزان مؤثر خواهد بود.

**ب: برقراری ارتباط کلامی و عاطفی**

باید توجه داشت که هرچقدر ارتباط کلامی و عاطفی صحیح، میان اعضای خانواده بیشتر باشد، روابط اعضای آن خانواده سالم‌تر و بانشاط‌تر و محکم‌تر خواهد بود. دختران به‌ویژه در دوران نوجوانی نیازمند این هستند که با والدین خود ارتباط صمیمی داشته باشند و ساعاتی از روز را با آنان درد و دل نمایند و در ارتباط با خواسته‌ها و نگرانی‌های خود با آنان سخن بگویند بنابراین؛ والدین باید به این امر توجه داشته باشند و زمانی را برای ارتباط با دختران خود فراهم نمایند؛ زیرا در خلال همین ارتباط از مشکلات آنان در زمینه‌های مختلف آگاهی می‌یابند و از طرفی می‌توانند به‌صورت غیر مستقیم بر رفتار و اعمال آن‌ها نظارت داشته باشند. برقراری ارتباط کلامی با دختران نیازمند تأمین حداقل انتظارات آنان است؛ بدین‌صورت که والدین سخنان آن‌ها را گوش‌نمایند و به‌عنوان راز تلقی کنند و در صورت بیان خطاها رفتاری ننمایند که اعتماد آنان سلب شود، زیرا اگر این‌گونه عمل نمایند فرصت

---

۱- حسن بن فضل طبرسی، پیشین، ص ۳۶۳. «آدّبوا أولادکم علی ثلاثِ خصالٍ: حبُّ نبیکم و حبُّ اهل بیته و علی قِراءة القرآن»

کنترل غیرمستقیم دختران را از دست می‌دهند. با توجه به اینکه اکثر دانش آموزان در بروز رفتار نابهنجار عامل دوستان ناباب را مؤثر دانستند، والدین باید با برقراری ارتباط کلامی و عاطفی صحیح آنان را در انتخاب دوستان شایسته راهنمایی کنند؛ بدین‌صورت که والدین در خلال ارتباط با دختران، معیارهای دوستان خوب و بد را برای آنان بیان کنند، به‌گونه‌ای که بتوانند با استفاده از آن معیارها دوستان مناسبی انتخاب کنند. تجارب تلخ و شیرین در خصوص دوستی خود با دیگران را مکرراً برای فرزندان بازگو نمایند تا در اثر همنشینی با دوستان ناشایست، آنان به انحراف کشیده نشوند. برقراری ارتباط صمیمانه و عاطفی با دختران سبب می‌گردد خانه به محیطی امن برای آن‌ها تبدیل شود و اساسی‌ترین نیاز آنان، نیاز به محبت در خانواده تأمین گشته و دیگر دختران به دنبال تأمین این نیاز در کوچه و خیابان نباشند. همان‌گونه که بر اساس نتایج حاصل از داده‌های آماری بیشترین ناهنجاری دانش آموزان دختر بعد از تقلب در امتحان، برقراری ارتباط با جنس مخالف است. بی‌شک برقراری ارتباط صمیمانه و عاطفی به‌جای روابط خشک و رسمی، خصمانه و خشن در پیشگیری از رفتارهای نابهنجار دانش آموزان دختر راهگشا خواهد بود. البته برقراری این ارتباط مشروط به این است که والدین خود از ثبات عاطفی برخوردار باشند و در برقراری ارتباط صمیمانه افراط‌وتفریط ننمایند؛ بلکه باید با حفظ جایگاه و اقتدار رابطه کلامی و عاطفی متناسب با آنان برقرار نمایند.

**ج: برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت**

اوقات فراغت بیانگر «زمانی است که پس از پشت سر گذاشتن کار و فعالیت روزانه باقی می‌ماند، یا سرگرمی، تفریحات و فعالیت‌هایی که به هنگام آسودگی از کار عادی با شوق و رغبت به آن‌ها پرداخته می‌شود.»[1] در اسلام نیز به اهمیت برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت اشاره‌شده است؛ به‌گونه‌ای که امام علی (ع) می‌فرمایند: «مؤمن در زندگی روزمره سه وقت و سه برنامه دارد: وقتی برای مناجات، وقتی برای رسیدگی به‌حساب خویش و وقتی دیگر

۱- تهیه و تدوین مرکز مطالعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در جهاد کشاورزی، خانواده – فرصت ها – فراغت ها و چالش ها، چاپ اول، (کرج: نشر آموزش کشاورزی دفتر خدمات تکنولوژی آموزشی، ۱۳۸۶)، ص ۶۷.

برای لذت حلال».[۱] چنانچه اوقات فراغت به‌درستی برنامه‌ریزی نشود، زمینه‌ی انحراف و بزهکاری دانش آموزان را فراهم می‌سازد و ازآنجایی‌که دانش آموزان بیشتر وقت خود را به‌خصوص، اوقات فراغت خود را در خانواده هستند؛ بنابراین والدین نقش بسزایی در مدیریت و برنامه‌ریزی اوقات فراغت آنان بر عهده‌دارند. تراویس هیرشی در «نظریه پیوند اجتماعی»[۲] ازجمله عوامل بروز رفتارهای نابهنجار را تضعیف پیوند فرد با جامعه دانسته و چهارعنصر دلبستگی، سرسپردگی (تعهد)، مشارکت و درگیری و ایمان را در پیوند فرد با اجتماع مؤثر می‌داند. با توجه به این نظریه یکی از راه‌های پیشگیری از بروز رفتار نابهنجار و انحراف مشارکت و درگیری افراد در جامعه است؛ یعنی افرادی که مشغول زندگی خانوادگی، کار، سرگرمی و مشارکت اجتماعی هستند کمتر فرصت می‌کنند هنجارشکنی کنند و برعکس افرادی که عاطل و باطل هستند بیشتر به کژ رفتاری روی می‌آورند.[۳]

بنابراین والدین باید در این زمینه اهتمام کامل را داشته باشند زیرا اوقات فراغت فرصتی مناسب برای آموزش‌های مفید و سرگرم‌کننده بوده و زمینه را برای پرورش مسئولیت‌پذیری، قانونمندی رفتار و روابط اجتماعی دختران با دیگران فراهم می‌کند. در برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت والدین باید نیازهای فرزندان خود را شناسایی کرده و به علایق و گرایش‌های آنان توجه داشته باشند تا با گزینش فعالیتی مناسب که با نیاز و علاقه نوجوان هماهنگی دارد، علاوه بر بهینه‌سازی اوقات فراغت، موجبات رضایت درونی آنان را فراهم سازند. اوقات فراغت دانش آموزان فرصت مناسبی است تا والدین خلأهای ارتباطی با فرزندان را جبران نموده و به تقویت مهارت‌های مذهبی آنان پرداخته و همچنین کاستی‌های مدارس درزمینه‌ی پرورش بعد هنری را جبران کنند. والدین می‌توانند با تقسیم‌کار و وظیفه ضمن مدیریت اوقات فراغت زمینه مسئولیت‌پذیری و پختگی دختران خود را فراهم آورند. با توجه به اهمیتی که ورزش در تأمین سلامت روانی و جسمانی دانش

---

۱- ابن شعبه حرانی، ترجمه احمد جنتی، پیشین، ص ۴۳۱.«ان للمومن ثلاث ساعات : فساعهٔ یناجی فیها ربَّه و ساعَهٔ یحاسب فیها نفسه و ساعهٔ یخلی بین نفسه و بین لذّاتها فیما یَحلُّ و یَحمل»

۲ -social bond theory

۳- منوچهر محسنی، جامعه شناسی انحرافات، چاپ اول، (تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۸۶)، ص۷۴.

آموزان دارد و منجر به تخلیه انرژی و شادابی آنان می‌گردد؛ و سلامت رفتار آنان به همراه دارد توصیه می‌شود، والدین در زمینه‌ی ورزش نه‌تنها برای اوقات فراغت فرزندان حتی برای دوران مدرسه برنامه‌ریزی دقیق و منظمی داشته باشند. والدین باید در نظر داشته باشند که عدم برنامه‌ریزی و رها کردن دختران در اوقات فراغت زمینه‌ی بسیاری از کج‌رفتاری‌های آنان می‌شود، بنابراین با مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح اوقات فراغت همراه با نظارت می‌توانند در پیشگیری از بروز رفتارهای نابهنجار آنان مؤثر باشند.

**د: آماده سازی برای ازدواج**

یکی از راه‌های پیشگیری از انحرافات جنسی در اسلام ازدواج است و در باب اهمیت ازدواج در اسلام احادیث و روایات متعددی وجود دارد. در دین مقدس اسلام وظیفه تشکیل خانواده برای جوانان در مرحله‌ی نخست به عهده والدین گذاشته‌شده است و حتی تخلف از این امر منجر به مسئولیت برای والدین خواهد شد. پیامبر گرامی اسلام می‌فرمایند:ای جوانان، هرکه قدرت بر ازدواج دارد ازدواج کند که چشم را باحیا و دامن را پاک نگه می‌دارد.[۱] همچنین به نقل از معصوم آمده است: «هرکس، فرزند او به حد بلوغ و آمادگی برای ازدواج برسد و او توانایی تشکیل خانواده برای فرزند خود را داشته باشد و از این مسئولیت شانه خالی کند، درصورتی‌که برای آن فرزند لغزش و خطایی پیش آید گناه آن برای پدر و مادر و فرزند هر دو نوشته خواهد شد.»[۲] بنابراین یکی از وظایف والدین در قبال فرزندان مسئله ازدواج است و تسریع در امر ازدواج برخلاف اندیشه امروز مردم، مورد سفارش پیامبر گرامی اسلام است. امر به ازدواج در اسلام واجب نیست؛ ولی درصورتی‌که خطر فساد و گناه باشد رعایت آن واجب می‌شود و در چنین شرایطی که شرف و آبرو و دین نوجوان درخطر است نباید به بهانه‌هایی چون تحصیل و سن کم مانع این امر شد. البته ازدواج باید با شناخت و آگاهی کامل و به‌صورت اصولی انجام پذیرد که منجر به مشکلات

---

۱- حسن بن فضل طبرسی، پیشین، ص ۳۷۵. «یا مَعشَرَ الشّباب مَن استطاعَ منکم الباءَ فلیتزوّج فَانَّه اَغصُّ لِلبصَرِ و أحصن للفَرج».

۲- معصومه حیدری، آداب رفتار با دختران، چاپ اول، (کاشان: انتشارات محتشم، تابستان ۱۳۷۸)، ص ۶۵.» من ادرک له ولد، وعنده مایزوجه، فاحدث فالاثم بینهما

دیگر نشود. با توجه به اینکه ارتباط دانش آموزان دختر با جنس مخالف در بین دو ناحیه آمار بالایی را دارد باید بیان داشت که والدین با مقدمه سازی و اعلام آمادگی برای تشکیل خانواده و ازدواج دختران و حتی با برقراری مراسم نامزدی می‌توانند آنان را از ادامه انحراف بازدارند.

**بند دوم: نهاد آموزش و پرورش**

دومین نهاد که پس از خانواده در تربیت و جامعه‌پذیری دانش آموزان نقش کلیدی ایفا می‌نماید، نهاد آموزش‌وپرورش و به‌طور اخص مدرسه است. هرگونه اختلال در کارکرد این نهاد منجر به دور شدن آن از رسالت اصلی خود یعنی تعلیم و تربیت‌شده و زمینه را برای انحراف دانش آموزان فراهم می‌سازد.

**الف: تغییر و اصلاح روش‌های تدریس**

مطابق نظریه هیرشی یکی از راه‌های پیشگیری از انحرافات در جامعه مشارکت و درگیری فرد در جامعه است؛ بنابراین باید توجه داشت که شیوه‌ی تدریس و محتوی کتاب‌های آموزشی در افزایش علاقه دانش آموزان به مدرسه و علم‌آموزی تأثیر داشته و به‌تبع آن مشارکت و درگیری آنان در مدرسه افزایش می‌یابد و این نیز در پیشگیری از رفتارهای نابهنجار نقش اساسی دارد.همچنین زمانی که محتوی کتاب‌ها با علایق و نیازهای دانش آموزان منطبق نباشد و مربیان از روش‌های نامناسب برای تدریس استفاده کنند، محیط مدرسه برای دانش آموزان ملال‌آور و خسته‌کننده خواهد شد و به‌تدریج علائم استرس، شکست تحصیلی، مدرسه گریزی و سایر رفتارهای نابهنجار ظاهر می‌گردد. مطابق با اصل تعادل جویی متزاید از سوی ژان پیاژه برخی از روانشناسان معتقدند: «وظیفه مربی خارج کردن ذهن دانش‌آموز از حالت تعادل به عدم تعادل است درواقع لازمه‌ی پیشرفت و ارتقا مراحل تحول روانی خارج شدن از سازش یافتگی‌های قبلی و تعادل مراحل پیشین است. و تا این تعادل بهم نخورد ارگانیسم برای جبران همین عدم تعادل به‌سوی تعادل بالاتر گام برنمی‌دارد و تعادل متعالی‌تر حاصل نمی‌گردد.»[1] زمانی که معلم به‌تنهایی و به‌عنوان متکلم

---

۱- عبد العظیم کریمی، پیشین، ص۲۸.

وحده به تدریس می‌پردازد منجر به حضور فیزیکی دانش آموزان در کلاس بدون توجه و تمرکز به درس می‌شود؛ بنابراین مربیان باید از روش‌های مشارکتی در تدریس استفاده نمایند. زیرا در این روش دانش آموزان حضور فعال در کلاس داشته، توجه و تمرکز بیشتری به درس می‌نمایند و درنتیجه امکان شکست تحصیلی ضعیف خواهد شد. « برخی از فواید روش تدریس فعال بدین‌صورت است:

۱- عدم خستگی دانش آموزان و جلوگیری از حواس‌پرتی و بی‌توجهی در کلاس.

۲- بیدار شدن ذهن فراگیر و وادار شدن آن به فعالیت و حرکت.

۳- آشنا شدن دانش آموزان با روش تفکر و افزایش خودباوری در آنان.

۴- پذیرش نتایج بحث و گفتگو از سوی دانش آموزان »[۱].

تحقیقات ۳۰ ساله محققان ثابت کرده است استفاده از روش‌های مشارکتی در تدریس منجر به پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانش آموزان می‌شود و زمینه‌ی تقویت اعتمادبه‌نفس، نوع‌دوستی، اظهارنظر و روابط میان فردی را فراهم می‌نماید.[۲] درروش مشارکتی مربیان می‌توانند دانش آموزان را به گروه‌های مختلفی تقسیم کنند و به‌تناسب در هر گروه از دانش آموزان ضعیف و قوی استفاده کنند، تا در اثر همکاری دانش آموزان ضعیف از کمک همسالان خود بهره برده و دانش آموزان قوی براثر آموزش به همسالان ضعیف خود مطالب را بهتر به ذهن بسپارد؛ و یا اینکه مربیان زمینه‌ای را فراهم آورند تا همه دانش آموزان در خلال تدریس به‌صورت پرسش و پاسخ و مباحثه مشارکت فعال داشته باشند و استعدادهای آنان درزمینه‌های مختلف آشکار شود، البته باید توجه داشت که در خلال روش‌های مشارکتی به دانش آموزان ضعیف برچسب منفی نخورد.

**ب: تربیت و آموزش مربیان شایسته**

با توجه به اینکه دانش آموزان بیشترین ارتباط را در محیط مدرسه با معلمان دارند؛ تربیت و آموزش مربیان شایسته در ابعاد مختلف آموزشی و اخلاقی سهم بسزایی در جامعه‌پذیری

---

۱- حسین دهنوی، روش تدریس، چاپ اول، (قم: یمین، پاییز ۱۳۷۶)، ص ۳۸.

۲- محمود مهدوی، پیشین، ص۴۶۳.

صحیح دانش آموزان و پیشگیری از رفتارهای نابهنجار آنان دارد. یکی از وظایف نهاد آموزش‌وپرورش این است که با بررسی همه‌جانبه و دقیق به پذیرش و پرورش معلمان متخصص درزمینه دروس مختلف پرداخته و آنان را به استخدام درآورد؛ درواقع پذیرش نیروی انسانی در آموزش‌وپرورش باید متناسب با نیازها باشد. ازآنجاکه معلمان نقش تعیین‌کننده در سرنوشت دانش آموزان دارند و علاوه بر تأثیرات ایمانی و اخلاقی که در روح و روان آنان می‌گذارند، در بالا بردن توان علمی و شکل دادن به وضعیت فکری آنان مؤثرند؛ بنابراین ضرورت اقتضا می‌نماید از کفایت علمی؛ فنی و تخصصی برخوردار باشند، تا بتوانند مطالب را به‌طور صحیح به دانش آموزان منتقل نمایند؛ زیرا در صورت عدم تسلط و تخصص علاوه بر مشکلاتی برای خودشان در تدریس، زمینه گمراهی دانش آموزان را فراهم می‌کنند. علاوه بر تربیت‌معلمان متخصص، باید آنان به لحاظ اخلاقی و روانی تربیت و آموزش لازم را دیده باشند، زیرا هدف این است که افرادی که در رشد و جامعه‌پذیری دانش آموزان دخالت دارند، خود نیز از سلامت رفتار و روان برخوردار باشند تا بتواند با رفتار درست خود الگویی مناسب برای دانش آموزان باشد و به‌خوبی با آنان ارتباط برقرار کرده و در صورت بروز مشکل آنان را راهنمایی کند. هیرشی معتقد است که اطاعت داوطلبانه و اختیاری افراد از ضوابط و مقررات در صورتی به وجود می‌آید که مابین آن‌ها و کسانی که آنان را کنترل و نظارت می‌کنند، نوعی دلبستگی و توافق عقیده وجود داشته باشد. معلمان در صورتی می‌توانند در تعلیم و تربیت موفق باشند که رفتار صحیحشان نوعی از دلبستگی و توافق عقیده را در بین خود و دانش آموزان ایجاد کند و درنتیجه دانش آموزان در کمال احترام و اعتماد نسبت به مربیان از رفتار و گفتار آن‌ها الگوبرداری کنند.[۱] معلمان باید بیاموزند که چگونه تعارض‌های بین دانش آموزان با یکدیگر و دانش آموزان با خود را حل نمایند، آنان باید بیاموزند که از هرگونه تبعیض و تحقیر و تمسخر دانش آموزان بپرهیزند، زیرا در این صورت علاوه بر الگودهی نامطلوب زمینه‌ی تخریب شخصیت و عقده حقارت در دانش آموزان را ایجاد می‌کنند که خود منجر به بروز رفتارهای نابهنجار می‌شود. بنابراین

۱- حمید حسینی، پیشگیری مدرسه محور از بزهکاری اطفال و نوجوانان (مطالعه موردی در مدارس شهر تهران)، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، پاییز ۱۳۸۹، ص ۴۶.

تربیت و گزینش معلمان متخصص و باانگیزه، علاقه‌مند به تدریس، کودکان و نوجوانان، و آشنا به روش‌های کار بادانش آموزان در افزایش علاقه‌مندی دانش آموزان به در س و مدرسه و به‌تبع آن پیشگیری از رفتارهای نابهنجار آنان تأثیر دارد. همان‌گونه که پیش‌تر ذکر کردیم نیاز به امنیت از نیازهای مهم دانش آموزان است و اولیای مدارس به‌ویژه معلمان باید با رفتار صحیح خود، برقراری روابط دوستانه بادانش آموزان، مدرسه را به محیط امن برای آنان تبدیل کنند. شایان‌ذکر است که تأمین وضعیت رفاهی و مادی معلمان مدارس از سوی دولت به نحو غیرمستقیم در مقوله پیشگیری از رفتارهای نابهنجار دانش آموزان تأثیر دارد؛ زیرا در این صورت معلمان با آرامش و تعلق‌خاطر بیشتری در محیط مدرسه و کلاس حاضرشده و تلاش بیشتری در زمینه‌ی آموزش، تربیت و کنترل رفتار دانش آموزان در فرآیند پیشگیری از رفتارهای نابهنجار می‌نماید.

**ج: تشکیل انجمن اولیای و مربیان وشوراهای دانش آموزی**

ضرورت و اهمیت ارتباط و هماهنگی بین دو نهاد خانواده و مدرسه در جامعه‌پذیری صحیح و تربیت اصولی دانش آموزان بر هیچ‌کس پوشیده نیست؛ بنابراین در جهت پیشگیری از بروز رفتارهای نابهنجار دانش آموزان باید ارتباط والدین با اولیای مدارس بیشتر شود و مسئولین مدارس در تشکیل و پیگیری برنامه‌های انجمن اولیاء و مربیان اهتمام لازم را به خرج دهند. تحقیقات نشان می‌دهند که مشارکت بیشتر والدین در سیاست‌های مدرسه نگرش مثبت‌تر دانش آموزان را در پی خواهد داشت، همچنین باعث پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، ارتقای سطح علمی و اجرای بهتر و تسریع درروند اصلاحات آموزشی مدارس می‌گردد.[1] انجمن اولیاء و مربیان زمینه‌ی همکاری‌های مختلف والدین با مدرسه را فراهم می‌کند این همکاری‌ها می‌تواند در زمینه‌ی برگزاری فعالیت‌های پرورشی، اردوهای علمی – فرهنگی، جذب کمک‌های نقدی والدین در بهبود امکانات مدارس و غیره باشد. تشکیل انجمن اولیای و مربیان این فرصت را به والدین و اولیای مدارس می‌دهد، تا از طریق برگزاری جلسات مختلف هماهنگی لازم را در اعمال شیوه‌های تربیتی صحیح داشته باشند

---

- احمد هاشمی، والدین و آموزش و پرورش، چاپ اول، (لامرد:انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، ۱۳۹۱)

و از ایجاد تعارض در عملکرد تربیتی خانواده و مدرسه که منجر به سردرگمی دانش آموزان شده پیشگیری می‌نماید. با تشکیل جلسات انجمن اولیا و مربیان والدین می‌تواند از عملکرد تحصیلی دختران خود، نقاط قوت و ضعف آنان آگاهی یابند و اقدامات لازم را انجام دهند. همواره اولیای برخی مدارس از بی‌توجهی و غفلت برخی والدین نسبت به شرکت در جلسات این انجمن گله‌مند هستند؛ بنابراین به والدین توصیه می‌گردد جهت آگاهی از عملکرد اخلاقی و تحصیلی دخترانشان، همچنین شناسایی مشکلات آنان ارتباط و تعاملی پایدار و منظم با اولیای مدارس داشته باشند و بدین ترتیب از بروز رفتارهای نابهنجار دختران خود پیشگیری کنند. شورای دانش‌آموزی یکی از ارکان مدرسه و نهادی صنفی است که اعضای آن از میان دانش آموزان و بارأی گیری یا از طریق اولیای مدرسه انتخاب‌شده و زمینه را برای رشد مهارت‌های فردی - اجتماعی، مشارکت دانش آموزان در امور آموزشی و پرورشی و تعامل بین مسئولین مدرسه و آنان فراهم می‌نماید. ازجمله اهداف این شورا عبارت است از: ۱- تکریم عملی شخصیت دانش آموزان و تقویت خودباوری و اعتمادبه‌نفس در آنان. ۲- تمرین مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و روحیه انتقادپذیری. ۳ - فراهم کردن زمینه‌های مساعد در جهت تبادل تجربیات، تعامل فکر و اندیشه، تفاهم و همدلی بین دانش آموزان و برقراری ارتباط صحیح و دوسویه بین آنان و مسئولین مدرسه.[۱] باید در نظر داشت که یکی از راهکارهای پیشگیری از رفتار نابهنجار دانش آموزان تقویت احساس تعلق به محیط مدرسه می‌باشد؛ بنابراین تشکیل شوراهای دانش‌آموزی در زمینه‌های مختلف علمی و ادبی، تفریحی و غیره منجر به تحکیم پیوند دانش آموزان با محیط مدرسه می‌شود و آنان احساس تعلق بیشتری به این محیط می‌کنند، زیرا از طریق این شوراها وظایف مختلفی را برعهده‌گرفته و به نحوی در تصمیم‌گیری‌های آموزشی در مدرسه سهیم شده و مشارکت می‌نمایند و خواسته‌های خود را مطرح کرده و دیگر محیط مدرسه برای آنان محیطی تحمیلی و اجباری نیست. بنابراین با توجه به آنچه بیان شد و با در نظر گرفتن نقشی که شوراهای دانش‌آموزی در غنی‌سازی اوقات فراغت دانش آموزان، ایجاد حس

۱- دفتر توسعه فعالیت های فرهنگی و هنری و فوق برنامه وزارت آموزش و پرورش، تشکل های دانش آموزی، چاپ اول، (تهران: مهربرنا، تابستان ۱۳۸۹)، ص ۲۵

مسئولیت‌پذیری و تقویت مشارکت دانش آموزان در امور مختلف آموزشی دارند، اولیای مدارس باید در تشکیل و مدیریت این شوراها اهتمام لازم را به خرج دهند تا از بروز رفتار نابهنجار دانش آموزان پیشگیری نمایند.

**د: بهبود وضعیت امکانات و نظارت در مدارس**

شایان‌ذکر است که بهبود وضعیت امکانات و تجهیزات مدارس در افزایش کارکرد و بهره‌وری دانش آموزان از محیط تحصیلی تأثیر بسزایی خواهد داشت؛ بنابراین نهاد آموزش‌وپرورش و به بیان کلی‌تر دولت باید با احتساب بودجه‌ی کافی اقدامات لازم در این زمینه را انجام دهد. استانداردسازی وضعیت کلاسها از جهت وضعیت نور، وسایل سرمایشی و گرمایشی، میز و صندلی‌ها همچنین کاهش تعداد دانش آموزان درکلاسها منجر به افزایش توجه و تمرکز در کلاس شده از خستگی زودهنگام دانش آموزان جلوگیری نموده و امکان کنترل و نظارت بیشتر معلم بر رفتار و اعمال دانش آموزان را فراهم می‌نماید.

تحقیقات نشان داده حجم کوچک کلاس و ایجاد تناسب بین تعداد دانش آموزان و ظرفیت کلاس منجر به افزایش ارتباط معلم بادانش آموزان شده، همچنین زمینه را برای گسترش خلاقیت، بهبود بهداشت روانی و ارتقای کیفیت آموزش فراهم می‌نماید.[۱] ایجاد فضای سبز و زمین ورزشی مناسب، غنی‌سازی کتابخانه‌ها و ایجاد آزمایشگاهای مجهز در مدارس زمینه را برای شادابی و نشاط و درنتیجه تأمین سلامت روان دانش آموزان، غنی‌سازی اوقات فراغت، خلاقیت و ابتکار عمل آنان فراهم می‌سازد. نظارت و کنترل بر اعمال و رفتار دانش آموزان از سوی اولیای مدارس در پیشگیری از رفتارهای نابهنجار آنان مؤثر است بدین منظور کنترل خروجی و ورودی مدارس با قرار دادن نگهبان باید موردتوجه قرار گیرد. در طول ساعات تفریح کارکنان مدارس در حیاط مدرسه حضورداشته و دانش آموزان را به‌طور غیرمستقیم زیر نظر داشته باشند. هرچند وقت یک‌بار دانش آموزان و وسایل آنان را بازرسی کنند، با هماهنگی و همکاری اولیای دانش آموزان امکان استفاده از سرویس‌های ویژه مدرسه را برای دانش آموزان فراهم نمایند. در جلسات امتحان تعداد مراقبین را افزایش داده و در این

---

۱- محمود مهدوی، پیشین، ص ۴۵

زمینه می‌توانند از نظارت الکترونیکی بهره ببرند. غیبت دانش آموزان و تأخیرشان در ورود به مدرسه توسط اولیای مدرسه درج‌شده و در این زمینه از آنان سؤال کنند و در این مورد اولیای دانش آموزان را مطلع نموده و توضیح بخواهند.

**بند سوم: نهاد پلیس**

از گذشته تا به امروز حفظ امنیت و برقراری نظم در جامعه نیازمندی نهادی بوده است که بتواند این مهم را محقق سازد. با پیدایش اولین اجتماعات انسانی، افراد به‌ضرورت نظم و امنیت پی برده و گروه‌هایی در چارچوب‌های مشخصی این وظیفه را بر عهده گرفتند؛ بنابراین نهاد پلیس شکل گرفت که مهم‌ترین وظیفه‌ی آن برقراری نظم و امنیت از طرق مختلف است. تعاریف متعددی از این نهاد شده است بر اساس تعریفی از فارالیک «پلیس بیانگر یک سازمان دولتی است که مأموریتش عبارت است از حمایت از قانون اساسی، جلوگیری از تخطی، تأمین نظم عمومی و حفظ مال و جان اشخاص است.»[۱] نهاد پلیس در پیشگیری از جرم و ناهنجاری‌ها در جامعه از دو روش استفاده می‌نماید. روش اول مبتنی بر استفاده از فشار و قوه قهریه است که بر اساس آن افراد را از طریق قوانین و مقررات وادار به پذیرش هنجارها و قوانین جامعه می‌نماید و ضمانت اجرای آن نیز قدرت مسلح و پلیس است. در این روش چون افراد بر اساس ترس از پلیس و اعمال قدرت، هنجارها را رعایت می‌کنند چندان تأثیر عمیقی نداشته، به این دلیل که فاقد بعد اعتقادی است؛ اما به‌عنوان آخرین را ه برای مقابله باکسانی که نظم جامعه را بر هم می‌زنند و نیز برای پیشگیری از انحرافات در جامعه مؤثر می‌باشد. روش دوم مبتنی بر پیشگیری از طریق اقناع است؛ بدین معنا که التزام به رعایت هنجارها از طریق فرهنگ‌سازی، آموزش مهارت‌های زندگی و آگاه‌سازی توسط پلیس در افراد درونی شده و درنتیجه کمک چشمگیری به پیشگیری از انحرافات در جامعه می‌نماید.[۲] پلیس در زمینه‌ی پیشگیری وضعی با انجام اقدامات برنامه‌ریزی‌شده می‌تواند در پیشگیری از ناهنجاری‌ها و انحرافات دانش آموزان نقش مؤثری

---

۱- محمود رجبی، "پژوهشی در مبانی پیشگیری اجتماعی رشد مدار از بزهکاری ازاطفال و نوجوانان"، چاپ دوم، (تهران: انتشارات میزان، تابستان ۱۳۹۱)، ص ۱۰۲.

۲- همان، ص ۱۰۶ و ۱۰۵.

را ایفا نماید. بدین ترتیب که مانوران پلیس مکانهای خطرآفرین در سطح شهر را شناسایی کرده و در آن مکان‌ها مستقر شوند تا از طریق نظارت و در صورت ایجاد خطر با اقدام به‌موقع از آن پیشگیری نمایند. گشت‌های پلیس در خیابان‌ها افزایش‌یافته مخصوصاً در مکان‌هایی که مدارس در آنجا مستقر هستند زیرا بعد از تعطیلی مدارس تا زمانی که دانش آموزان به خانه برسند نظارتی بر اعمال و رفتار آن‌ها وجود ندارد؛ از طرفی دیده‌شده همواره جوانانی بعد از تعطیل شدن مدارس دخترانه زمینه مزاحمت برای آن‌ها را فراهم می‌آورند، همچنین گشت‌های ارشاد باید در زمینه مبارزه با بدحجابی و پوشش نامناسب دانش آموزان در خیابان‌ها با رفتاری مناسب اقدامات لازم را انجام دهد. در زمینه پیشگیری از رفتارهای ناهنجار دانش آموزان اقدامات پلیس در چارچوب پیشگیری اجتماعی مؤثرتر از اقدامات دیگر است و چنانچه پلیس در کنار وظایف حرفه‌ای و تخصصی خود، به رویکرد اجتماعی مقابله با جرم روی آورد نقش قابل‌ملاحظه‌ای درروند جامعه‌پذیری نوجوانان به‌منظور کاهش بزهکاری آنان ایفا خواهد کرد. پلیس جامعه‌محور از طریق تعامل با نهادهای مختلف جامعه (خانواده، مدرسه و رسانه‌ها) و با تکیه‌بر مشارکت و همکاری آنان در پیشگیری از رفتارهای ناهنجار دانش آموزان فعالیت می‌کند. با توجه به این که خانواده نقش بسزایی در بروز ناهنجاری‌ها و بزهکاری دختران دارد پلیس، به‌ویژه زنان پلیس که آموزش لازم را در زمینه روانشناسی، مطالعات خانواده و علوم تربیتی دیده‌اند می‌توانند از طریق تعامل با خانواده حامیان شایسته‌ای برای دختران باشد و راهنمایی‌های لازم در زمینه تربیت صحیح، مهارت‌های اجتماعی، توانایی‌های مسئله و غیره را در اختیار آنان قرار دهند.[۱] همچنین نهاد پلیس می‌تواند از طریق تعامل با مدارس در پیشگیری از رفتارهای ناهنجار دانش آموزان نقش مؤثری را ایفا نماید. بدین‌صورت که پلیس در قالب (افسر انتظامی، مشاور و به‌عنوان معلم و مربی آموزشی) در مدارس حضور یابد و ضمن حفظ امنیت دانش آموزان در زمینهٔ مسائل روز جامعه، جرایم گوناگون (به‌ویژه جرایم خاص زنان)، راههای پرهیز از خطر و آشنایی با مواد قانونی، به دختران دانش‌آموز مشاوره بدهد و با استفاده از ابزار تعامل صحیح،

۱-لیلا مدبر و دیگران، پیشین، ص۱۲۰.

مبتنی بر اعتماد و احترام و بدون اجبار، آموزش و آگاه‌سازی می‌تواند درروند جامعه‌پذیری آنان نقش مؤثری داشته باشد. «پلیس در راستای آموزش و آگاهی به دانش آموزان از روش‌هایی چون حل مسئله، گفتگوی آزاد، برگزاری اردوهای علمی استفاده می‌نماید. پلیس با برگزاری اردوهای علمی و بازدیدها از مراکز تخصصی پلیس، فضای لازم برای پرسش و پاسخ را فراهم نموده آنان را با وظایف و مشکلات کار خود آشنا نموده و به نحوی در بهینه کردن اوقات فراغت دانش آموزان گام برمی‌دارد که همه می‌تواند در پیشگیری از انحرافات دانش آموزان مؤثر باشد.»[۱] ازجمله اهداف پلیس جامعه‌محور در مدارس عبارت است از: پیشگیری از وقوع جرم علیه دانش آموزان، آموزش دانش آموزان برای حل مجادلات، شناسایی دانش‌آموزانی که در معرض خطر بروز مشکلات رفتاری هستند، فراهم کردن جامعه‌ای ایمن در مدرسه که سطح آموزش را بالا برد.[۲] همچنین پلیس با توجه به تعامل روزمره خود با مردم در ارتباط با مسائل گوناگون و در اختیار داشتن اطلاعات و آمارها و مطالعات علل کج‌روی‌ها و بزهکاری‌ها می‌تواند از طریق نهاد صداوسیما و یا برگزاری جلساتی در مدارس با ذکر نمونه‌های عینی در زمینه آگاه‌سازی والدین و اولیای مدارس گام مثبتی بردارد. متأسفانه در برخی مدارس این تعامل میان پلیس و مدرسه نادیده گرفته‌شده است و در برخی مدارس دیگر جلساتی به‌صورت محدود (یک‌بار در سال) و به‌صورت تعامل پلیس با اولیای دانش آموزان صورت می‌گیرد؛ بنابراین چنانچه بخواهیم از بروز رفتارهای نابهنجار دانش آموزان پیشگیری کنیم باید به نقش اقدامات پلیس در زمینه جامعه‌پذیری دانش آموزان، آگاه‌سازی و فرهنگ‌سازی توجه خاصی بنماییم.

**بند چهارم: نهاد صدا و سیما**

یکی دیگر از نهادهایی که می‌تواند در زمینه‌ی پیشگیری از ناهنجاری‌های دانش آموزان و به‌طورکلی در پیشگیری از بزهکاری و جرم در جامعه نقش مؤثری ایفا نماید نهاد صداوسیما است. این رسانه دارای جایگاه ملی بوده و از اهمیت بسزایی در زمینه تربیت و هدایت

---

۱- محمود رجبی، ص ۱۴۶ و ۱۴۹.

۲- آن اتکینسون، پلیس جامعه محور در مدرسه، (سروش بهربر)، چاپ اول، (تهران: دانشگاه علوم انتظامی معاونت پژوهش، ۱۳۸۵)، ص ۱۷.

جامعه به‌ویژه قشر نوجوان برخوردار است. پیش‌تر از تأثیرات زیان‌بار رسانه‌ها بر بروز رفتار نابهنجار دانش آموزان سخن گفتیم، لیکن باید توجه داشته باشیم که نقش صداوسیما به‌مثابه یک مدرسه سیار در تربیت، آموزش و اطلاع‌رسانی، فرهنگ‌سازی غیرقابل‌انکار است و با توجه به قدرت تأثیرگذار این رسانه، در صورت وجود کنترل و نظارت از سوی صاحب‌نظران و مسئولین می‌توان از آن در جهت اصلاح جامعه و به‌ویژه نسل جوان استفاده نمود. در ارتباط با تأثیر صداوسیما در پیشگیری از کج‌روی و ناهنجاری‌ها در جامعه به‌خصوص نسل نوجوان و قشر دانش‌آموز باید به چند نظریه اشاره‌کنیم. ازجمله نظریات مطرح در علم روانشناسی نظریه تقلید است بر اساس این نظریه و با توجه به اینکه تلویزیون از نیروی منسجم کننده تصویر برخوردار است؛ کودکان و نوجوانان با تماشای آن با آداب پوشش، معاشرت و فرهنگ‌های مختلف آشنا شده و دست به تقلید از آن‌ها می‌زنند.[۱] بنابراین صداوسیما می‌تواند با بهره گرفتن از این نظریه در برنامه‌های خود فرهنگ صحیح ارتباط و تعامل، پوشش و غیره را بگنجاند تا دانش آموزان از الگوهای صحیح در این زمینه‌ها تقلید نمایند. مطابق نظریه برجسته‌سازی برنامه‌های تولیدی صداوسیما باید به‌گونه‌ای باشد که نه‌تنها خشونت و کج‌روی عقوبت یابند، بلکه ازنظر احساسات و عواطف انسانی چنان برانگیخته شوند که افراد با قربانیان احساس همدلی نمایند و از جانی و فرد کجرو عمیقاً احساس انزجار نمایند. نظریه دیگر در خصوص برنامه‌های تلویزیون، نظریه مجرا سازی می‌باشد بر اساس این نظریه برنامه‌های تولیدی صداوسیما باید از مجرای خاصی بگذرد تا ازهرجهت منزه گردد؛ بدین معنا که شوراهای خاصی مرکب از صاحب‌نظران تربیتی، روانشناسان و جامعه شناسان برنامه‌های تولیدی را موردبررسی وتایید قرار دهند تا از این برنامه‌ها در اصلاح و تربیت نسل نوجوان استفاده شود.[۲] دکتر کی نیا در این مورد بیان نموده‌اند: «برای اینکه رادیو و تلویزیون از رسالت اصلی خود دور نماند و برعکس در اعتلای فرهنگ عمومی افراد و بر اساس اعتقاد و ارزش‌های اسلامی، شتاب بگیرد باید در

---

۱- باقر ساروخانی، نقش وسایل ارتباط جمعی در پیشگیری از وقوع بزهکاری، چاپ اول، (تهران: معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور، زمستان ۱۳۸۱)، ص ۲۱۶.

۲- همان، ص ۵۵۹.

تهیه برنامه‌ها از کارشناسان مجرب که در خصوص جامعه‌شناسی سیاسی، مذهبی، پرورشی، تفریحات و جامعه‌شناسی زندگی روزمره، تخصصی دارند استفاده نماید»[۱]؛ بنابراین صداوسیما می‌تواند به تولید برنامه‌های بپردازد که مورد تأیید صاحب‌نظران بوده و محتوی آن به‌گونه‌ای باشد که هنجارها و ارزش‌های جامعه را تقویت نموده و ضد ارزش‌ها را به‌گونه‌ای ناپسند جلوه نماید. ازجمله اقدامات صداوسیما در پیشگیری از رفتارهای نابهنجار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تولید و پخش برنامه‌های آموزنده برای معرفی انواع چالش‌های اجتماعی، فرهنگی و هشدار به قربانیان احتمالی که در معرض این‌گونه خرده‌فرهنگ‌های متعارض قرار نگیرند و به آن مبتلا نشوند؛ مانند برنامه‌های مستند در زمینه دختران فراری و خطرات پیش روی آنان، قرص‌های روان‌گردان و غیره.[۲] تولید و پخش برنامه‌های آموزش دروس مختلف دوره دبیرستان و تکنیک‌های تست‌زنی و استفاده از مشاورین مجرب تحصیلی که نحوه صحیح درس خواندن و برنامه‌ریزی درسی را به دانش آموزان بیاموزند. این امر باعث می‌شود بسیاری از دانش آموزان که هزینه کافی برای ثبت‌نام در کلاسهای درسی ندارند به‌طور رایگان از این کلاسها و مشاوره‌ها برخوردار شوند. برنامه‌هایی که دربردارنده آموزش‌های لازم درزمینه برخورداری از تغذیه سالم، آشنایی با دوران بلوغ و مشکلات خاص آن و خطراتی که در این دوران دختران را تهدید می‌کند، تربیت صحیح و نحوه برخورد با دختران نوجوان تهیه و تولید گردد. با توجه به اینکه تلویویزن نقش مؤثری در پر کردن اوقات فراغت دانش آموزان دارد؛ بنابراین با تولید سریال‌ها و فیلم‌های جذاب در چارچوب منویات اسلامی می‌توان نحوه‌ی صحیح رفتار، با مربیان، والدین و دوستان را به دانش آموزان آموزش داد. درواقع صداوسیما و به‌ویژه شبکه استانی می‌تواند از طریق کارشناسان خود و با استفاده از تحقیقات میدانی در بین دانش آموزان حضور یافته و از مشکلات آنان، نیازها و خواسته‌هایشان آگاهی یابد و در ساخت برنامه‌های خود برای این قشر از آن‌ها الهام گرفته و برنامه‌های متناسب با نیازهای این قشر به‌گونه‌ای آموزنده هم برای آنان و هم برای اولیای مدرسه و والدین بسازد.

---

۱- همان، ص ۵۶۰.

۲- رضا مدیران، پیشین، ص ۱۹۲ و ۱۹۱.

## نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی این مقاله فهمیدیم در بروز رفتارهای نابهنجار دانش آموزان عوامل مختلفی تأثیر دارند، بدین معناکه مجموعه عوامل فردی-روانی، وجود شرایط و بسترهای نامناسب در خانواده، مدرسه، محل سکونت و رسانه‌ها می‌تواند زمینه‌ی بروز ناهنجاری‌ها را در این قشر فراهم سازد. در مجموع بررسی‌های انجام شده حاکی از این است که عامل دوستان ناباب بیشترین تاثیر را در بروز رفتارهای نابهنجار دانش آموزان دارد. در زمینه‌ی راهکارهای پیشگیری از ناهنجاری‌های دانش آموزان، راهکارهایی در ابعاد فردی – روانی، نهاد خانواده، نهاد مدرسه و سایر نهادهای اجتماعی نظیر پلیس و صداوسیما مطرح‌شده است. در بعد فردی–روانی راهکارهایی چون بهره‌گیری از خدمات مشاوره، تقویت ایمان به خدا و عزت‌نفس و در نهاد خانواده به تأمین محبت و روابط دوستانه والدین با دختران، بهینه‌سازی اوقات فراغت و در نهاد مدرسه به راهکارهایی چون کنترل و نظارت غیرمستقیم، تعامل والدین با اولیای مدارس و آموزش مربیان می‌توان اشاره کرد. باتوجه به نتایج حاصله از این مقاله می‌توان راهکارهای ذیل را پیشنهاد نمود:

۱- فراهم ساختن زمینه‌های برخورداری دانش آموزان از مشاوره رایگان از طریق ایجاد کلینیک‌های در مدارس و با استفاده از کارشناسان مجرب در زمینه علوم تربیتی و روانشناسی، به‌گونه‌ای که مشاوران از میان کارکنان مدرسه انتخاب‌نشده باشند تا دانش آموزان بدون ترس و نگرانی و به‌راحتی بتوانند با آنان ارتباط برقرار کرده و مشکلات خود را با آنان در میان بگذارند و راهنمایی‌های آنان بهره من شوند.

۲– فراهم ساختن زمینه برخورداری والدین از مشاوره رایگان به‌صورت حضوری یا تلفنی جهت کسب آگاهی‌های بیشتر در مورد برخورد با مشکلات و رفتارهای نابهنجار دانش آموزان.

۳ - با توجه به اهمیت نقش الگویی خانواده در بروز رفتار نابهنجار و پیشگیری از آن، والدین سعی نمایند در گام نخست با اصلاح رفتار و اعمال خود عملاً روش‌های صحیح پوشش، حل مشکلات، برقراری ارتباط صحیح با اطرافیان و غیره را به دختران بیاموزند؛ و در گام بعدی با ایجاد روابط دوستانه به‌جای روابط خصمانه و رسمی زمینه نظارت

غیرمستقیم بر رفتار و اعمال آنان را فراهم آورده و راهنمایی‌های لازم را به ایشان بنمایند.

۴– فراهم‌سازی زمینه ازدواج دختران در خانواده و برنامه‌ریزی مناسب جهت بهینه‌سازی اوقات فراغت آنان.

۵- پیوند و ارتباط بیشتر والدین دانش آموزان با اولیای مدارس از طریق تشکیل جلسات و مدیریت صحیح و منظم انجمن اولیا و مربیان تا از این طریق نسبت به عملکرد تحصیلی و اخلاقی دخترانشان اطلاع یابند که این مستلزم برنامه‌ریزی دقیق و مدیریت این جلسات از سوی اولیای مدرسه و جدیت و تلاش والدین در پیگیری این جلسات می‌باشد.

۶- توجه خاص وزارت آموزش‌وپرورش به‌گزینش و استخدام معلمان متخصص متناسب با نیازها، متعهد و مقید به مسائل مذهبی و اخلاقی، علاقه‌مند به تدریس و نوجوانان، آشنا به علوم تربیتی و روانشناسی تا با برخوردی صحیح زمینه تربیت صحیح دانش آموزان را فراهم آورد.

## منابع و مآخذ

### الف) کتب و منابع فارسی

۱- اتکینسون، آن. پلیس جامعه محور در مدرسه. سروش بهریز، چاپ دوم، تهران: دانشگاه علوم انتظامی معاونت پژوهش، (۱۳۹۸).

۲- اعزازی، شهلا. جامعه شناسی خانواده با تاکید بر نقش و ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: روشنفکران و مطالعات زنان، چاپ ششم، (۱۳۸۷).

۳- اکبری، محمود. خوش بینی و بدبینی. قم: فقیان، چاپ اول، (۱۳۹۰).

۴- امینی، ابراهیم. آیین تربیت. قم: انتشارات اسلامی، چاپ شانزدهم، (۱۳۷۶).

۵- اولتمز، تامس؛ نیل و داویسون. مطالعات موردی در روانشناسی نابهنجاری. جواد صالحی، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، چاپ اول، (۱۳۷۲).

۶-ای کاپلان، هارولد. اختلالات روانی ورفتاری دوران کودکی و نوجوانی. مهدی صابری، تهران: قلمستان، چاپ اول، (۱۳۷۷).

۷- بخارایی، احمد. جامعه شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول، (۱۳۹۷).

۸- ترخان، مرتضی؛ آقا یوسفی، علیرضا وشقاقی، فرهاد. نظریه‌های مشاوره و روان درمانی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ دوم، (۱۳۹۰).

۹- جی فریدمن، رونالد؛ کایتی، دویال. رفتار با کودکان و نوجوانان دچار اختلال (نقص توجه ـ بیش فعال). جلال سدرالسادات؛ محمد رضا محمدی و لیلا سدر السادات، تهران: اسپند هنر، چاپ اول، (۱۳۸۱).

۱۰- حسینی، داود. روابط سالم در خانواده. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ پنجم، (۱۳۸۷).

۱۱- حیدری، غلامحسین. شهید باهنر و تحول بنیادین در آموزش وپرورش. تهران: نشر مدرسه، چاپ اول، (۱۳۹۰).

۱۲- خوانساری، جمال. شرح فارسی غرر و دررآمدی. جلد ۷، جلال الدین محدثی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، [بی چا]، (۱۳۴۶).

۱۳- دفتر توسعه فعالیت‌های فرهنگی و هنری فوق برنامه وزارت آموزش و پرورش. تشکل‌های دانش آموزی. تهران: انتشارات مهر برنا، چاپ اول، (۱۳۸۹).

۱۴- روشن نهاد، ناهید. مدارس اسلامی دوره پهلوی دوم. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، [بی چا]، (۱۳۸۴).

۱۵- سلیمی، علی؛ داور، محمد. جامعه شناسی کجروی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، (۱۳۸۰).

۱۶- شیخاوندی، داور. جامعه شناسی انحرافات و مسائل جامعتی ایران. تهران: نشره قطره، چاپ اول، (۱۳۸۴).

۱۷- عیوقی، بدرالسادات. تعلیم و تربیت در ایران از دوران باستان تا انقلاب فرهنگی. تهران: انتشارات عیوقی، چاپ اول، (۱۳۸۵).

۱۸- کی نیا، مهدی. پژوهشی در عوامل اجتماعی طلاق. قم: مطبوعات دینی، [بی چا]، (۱۳۷۳).

۱۹- مسیری، مهشید. فرهنگ زبان فارسی. تهران: انتشارات سروش، چاپ چهارم، (۱۳۷۸).

۲۰- معظمی، شهلا. بزهکاری کودکان و نوجوانان. تهران: انتشارات دادگستر، چاپ اول، (۱۳۸۸).

۲۱- میرزا بیگی، علی. نقش نیازهای روانی در بهداشت آموزش و پرورش. تهران: نشر اطلاعات، چاپ پنجم، (۱۳۷۹).

۲۲- نوربها، رضا. زمینه‌های جرمشناسی. تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، (۱۳۸۶).

۲۳- وثوقی، منصور؛ نیک خلق، علی اکبر. مبانی جامعه شناسی. تهران: انتشارات خردمند، چاپ هشتم، (۱۳۷۴).

**ب) مقالات و پایان نامه ها**

۱- آقایی، اصغر؛ رئیسی دهکردی، راضیه و آتش پور، حمید. «رابطه خوش‌بینی و بدبینی با سلامت روان در افراد بزرگسال شهر اصفهان». دانش و پژوهش در روانشناسی دانشگاه آزاد، ۳۳ (۱۳۸۶): ۱۲۵.

۲- بابایبان، علی؛ کرمی، ذبیح الله و کفراشی، سعید. «نقش آموزش همگانی در پیشگیری از

جرم».مطالعات پیشگیری از جرم، سال هفتم، ۲۴ (۱۳۹۱): ۱۲.

۳- پیکا، ژرژ. «پیشگیری از جرائم شهرنشینی». عزیز طوسی، ماهنامه دادرسی، سال اول، ۲(۱۳۷۶): ۶۵.

۴- تاج دینی، علی. «احساس حقارت و تضعیف شخصیت». رشد معلم، ۵۷ (۱۳۶۸):۶۷.

۵.چاله چاله، فرشید. «اصول و مبانی پیشگیری از جرم». دادرسی، سال دوازدهم، ۶۷ (۱۳۸۷): ۴۶.

۶- ذبیحی، لیلا. «رابطه بین عزت‌نفس و ارتکاب جرم در بین افراد زندانی و غیر زندانی». اصلاح و تربیت، ۹۵ (۱۳۸۹):۴۰.

۷- رجبی پور، محمود. «راهبردهای پیشگیری از جرم: تعامل پلیس و دانش آموزان». فصلنامه دانش اجتماعی، سال پنجم، ۳(۱۳۸۲): ۱۷.

۸- رضایی، مریم. «مغبوضیت طلاق در اسلام». رواق اندیشه، ۳۰ (۱۳۸۳):۱۰۸.

۹- روشن، علی‌قلی؛ پورقاز، عبدالوهاب و مراد زاده، عبدالباسط. «بررسی موانع خلاقیت در دانش آموزان از دیدگاه معلمان». علوم تربیتی و روانشناسی، سال پنجم، ۱ (۱۳۸۷):۴۰.

**ج) منابع عربی**

۱- حر عاملی، محمد حسن. وسائل الشیعه. جلد ۱۲ و ۲۳. قم: موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، الثالثة، (۱۴۱۶).

۲- مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار. جلد ۷۳ و ۷۰، بیروت – لبنان: دار احیاء التراث، الثالثة، (۱۴۰۳).